

حمله وسیع اوباش و چاقو کشان رژیم به زنان برای اجرای طرح مبارزه با "بدحجابی"

درگیری های محدود اما متعددی در تهران و شهرستانهای مردم و ایادی رژیم
بوقوع پیوست. در حملات اوباش رژیم تعداد زیادی از مردم دستگیر و زخمی
شده اند.

برخی گزارش ها از تهران حکایت از کشته شدن چهار تن بر اثر ضربات چاقو توسط
مامورین مبارزه با منکرات دارند.

بار دیگر جمهوری اسلامی
یورش همه جانبه ای را برای
تصمیم باورهای ارتجاعی خود در
مورد نحوه لباس پوشیدن به زنان
و مردان میهن تدارک دید و
به اجرا گذاشت. اینبار هم
نیروهای انتظامی و هم اراذل
تمه کش و تیغ زن و اسیدپاش
به خدمت گرفته شدند. و تمام
مسئولین ریز و درشت حکومتی
تلاش کردند در این جهاد اسلامی
نقطه ضعفی از خود نشان ندهند.
دسته های تمه کش
موتور سوار (حزب اله
موتوریزه) که در گزارشی از
تهران تعداد آنها ۲ هزار قید شده
است، اوباش تیم های گشتی
خواهران و برادران دایره مبارزه
با منکرات، مامورین کمیته و
سپاه پاسداران و شهربانی در
تهران و شهرستان های خیابانها
گسیل شدند تا بخشنامه جدید در
مورد حجاب رایج را اجرا گذارند.
تعداد زیادی از زنان مورد
حمله قرار گرفته و دست و لباسهای
شده بر صورت و دست و لباسهای
بسیاری رنگ پاشیدند و شلوارهای
چین و لباسهای دیگر فیراسلامی
افراد را با کارد و تیغی بر تن
آنان از هم دریدند.
در موارد متعددی اوباشگری
مامورین رژیم با مقاومت مردم
روبرو شد. در این گونه موارد
اراذل رژیم با چاقو و تمه به مردم
حمله کردند و تعداد زیادی را
زخمی کردند.
دور جدید "مبارزه با
بتیه در صفحه ۲



گروهی از اوباش مونت حکومت، جلوی یک زن را گرفته اند تا آرایش صورتش را پاک کرده و به گفته
حکومتیان "ارشاد" کنند.

مجازات "متخلفین اخلاقی"

موسوی اردبیلی در خطبه نماز جمعه تهران:
"نگه می دارند سرپا، با شمشیر می زنند؛ دو تکه اش می کنند یا
گردنش را می زنند، یا از اون بالا می زنند می افتد. بعد که مرد، بعد
هم می آورند، آتش می زنند، جنازه را وسط می زنند می گذارند و
جنازه را می سوزانند. یا می برند اون بالای کوه، از اونجا پرت
می کنند. بعد میان، قطعات جنازه را جمع می کنند و آتش می زنند. یا
میان، چاله ای می کنند، در اون چاله آتشی را تهیه می بینند، و زنده
زنده می اندازند تو آتش."

ایرانی نوشته شده است. در سال
گذشته صدام حسین نامه دیگری
برای مقامات ایرانی ارسال داشته
بتیه در صفحه ۳

اعتراض ۱۴۳ نماینده مجلس به روزنامه رسالت

از طیف و امانده از انقلاب و
توجیه گر جنایات تروریست های
اقتصادی، "کسانی که دین
خود را به اربابان زر و تزویر ادا
می نمایند"، "تزویرگران
انتقامجویی که مطالبی را که به
آنان دیکته می شود
می نگرند"، ...
اعتراض اصلی نویسندگان نامه
به روزنامه رسالت که در زیر این
هنوین ارائه شده این است که
روزنامه مذکور "درهنگامه
زمن های بزائو در آوردن انقلاب
مقدس اسلامی ایران توسط
استکبار جهانی" می کشد مجلس
شورای اسلامی را تخطئه و بدین
ترتیب با "خطرات احتمالی
تصویب قوانین انقلابی مجازات
زالو صفات و تروریست های
اقتصادی" مقابله کند.
این اعتراض چنان که گفته شد
تا زگی ندارد و مدت هاست که
"تروریست های اقتصادی"
موضوع رودرویی جناح های
حکومتی بوده است با این تفاوت
که تداوم و بالا گرفتن این مقابله
اکنون دیگر مانع از محدود ماندن
آن در چارچوب "جنگ بر سر
اصول و یا بود و نبود قانون
مجازات تروریست های
اقتصادی" شده، طرفین را به
افشای یکدیگر و در نهایت به خود
افشایی نیز، ناگزیر کرده است.
ملا نویسندگان نامه در پاسخ این
سوال روزنامه رسالت از هادی
فقاری "درباره پولی که او بین
نمایندگان توزیع کرده است"
آشکار می کند که "این سیره از
دوره اول مجلس و تصدی جناب
حجت الاسلام و المسلمین هاشمی
رفسنجانی تاکنون وجود داشته
است و اختصاص به زمان ریاست
فعلی مجلس نداشته و ندارد ..."
امادر نامه همچنین از سویی از
بتیه در صفحه ۳

سختگوی جناح تندرو - علیه
شرکت های مضاربه ای آغاز و
تاکنون کشیده شده است.
در پایان جلسه روز پنجشنبه
۲۰ اردیبهشت مجلس، نامه ۱۴۳
نفر از نمایندگان مجلس در اعتراض
به مواضع روزنامه رسالت قرائت
شد. نامه، که توسط
"تندرو" های مجلس تهیه شده،
گرداندگان روزنامه رسالت را با
هنوین زیر مخاطب قرار داده
است: "بعضی از ورشکستگان
سیاسی که در راستای اهداف
شیطان بزرگ گام بر می دارند"،
"افراد معلوم الحال به نمایندگی

واکنش نسبت به حمله روزنامه
"رسالت" علیه وابستگان "جناح
تندرو" رژیم و افشای دزدی های
آنان در بنیاد الهادی و رجا با دفاع
هادی فقاری از خود و از بنیادش
در جلسه ۱۱ اردیبهشت مجلس
خاتمه نیافت و تک و پاتک های
جناح های حکومتی علیه یکدیگر
بر سر "نحوه مقابله با
تروریست های اقتصادی" در
مفقه گذشته نیز ادامه یافت. البته
جمله روزنامه رسالت به هادی
فقاری آغاز ماجرا نبود و حلقه ای از
رشته درازی را تشکیل می داد که
با درج مقالاتی در کیهان - نشریه

نرخ ارز به بالاترین رقم پس از قطع جنگ رسید

در نیمه اردیبهشت ماه، نرخ ارز در بازار آزاد تهران به بالاترین رقم
آن پس از اعلام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی در
تیرماه ۱۳۶۷ رسید. به گزارش روزنامه کیهان، نرخ دلار که از اوایل
اردیبهشت سیر صعودی را آغاز کرد، در روز ۱۵ اردیبهشت از
مرز ۱۴۰ تومان گذشت. در این روز، دلار در تهران ۱۴۰۵ ریال معامله
می شد. نرخ مارک در همین روز ۸۳۰ و بهای پوند، ۲۲۶۵ ریال بود.
سکه طلا نیز همراه با دلار گران تر شد و قیمت آن به ۱۴۳۱۰ تومان
رسید.

افزایش بی سابقه بهای ارز، نشانگر شکست کامل برنامه دولت
رفسنجانی برای فروش ارز در بازار آزاد است. در مهرماه گذشته، دولت
فروش ارز به نرخهای رقابتی، ترجیحی و خدماتی را که اندکی پایین تر از
نرخ بازار آزاد بود، آغاز کرد و همین امر بر بازار آزاد نیز تاثیر مثبت
موقتی داشت. اما تنها با گذشت چند هفته، معلوم شد که دامنه فروش ارز
به نرخ های نیمه آزاد توسط دولت محدودتر، و نیاز بازار به ارز خارجی
شدیدتر از آن است که بتواند نرخ دلار را بشکند. پس از کاهش اولیه، نرخ
ارز دوباره به سطح پیش از ورود دولت به بازار بازگشت و حتی بالاتر نیز
رفت. اینک، بهای ارز به بالاترین رقم پس از قطع جنگ رسیده است.
جمهوری اسلامی می کشد شکست این سیاست خود را نه ناشی از
ماهیت هملکرد دولت و اقتصاد اسلامی، بلکه به اجته و ارواح خبیثه نسبت
دهد: "چند تن از این تروریست ها که اخیرا دستگیر شده اند اعتراف
کرده اند که از خارج دستور داده شده بود که هر قدر دولت از به بازار
وارد می کند خریداری کنند تا در مقابل دولت بایستند." (سخنان کروی
در جمع افراد کمیته کیهان ۱۵ اردیبهشت)

بار دیگر "طرح ضربتی مبارزه با بیسوادی"

در گسترش این بلیه اجتماعی موثر بوده است. وی در
همین دیدار اعلام کرد "تسلیت اعظم افراد بیسوادی
در گروهای سنی ۱۰ تا ۳۵ سال قرار دارند".
هم رفسنجانی و هم دیگر مقامات حکومت اعلام
کرده اند که قصد دارند تا چند سال دیگر بیسوادی را در
کشور ریشه کن کنند. برای آنکه جدی بودن حرف آنان
را روشن سازیم کافی است نگاهی به برنامه مصوب
بیندازیم. در برنامه مصوب سال جدید باز هم "جنگ
در سر لوحه امور" است و بخش هنگفتی از بودجه
کشور صرف مخارج نظامی و تجهیز نیروهای رژیم به
تسلیمات جنگی می شود.
مطابق نوشته های روزنامه های دولتی میزان
بیسوادان در کشور ۲۰ میلیون نفر برآورد شده
است. اعلام این رقم و هملکرد رژیم باز هم "جدی"
بودن ادعای رفسنجانی و دیگر مقامات حکومت را
روشن می کند.
برای اولین بار در دی ماه سال ۵۸ حکومت برنامه
"بسیج ملی" را برای سوادآموزی اعلام کرد. در این
طرح تاکید شده بود که بدون مقررات دست و پاگیر
استخدامی و اداری، بسیج ملی برای سوادآموزی
انجام خواهد شد. پس از یکسال از اجرای این برنامه
تنها حدود ۲۵۰ هزار نفر تحت پوشش قرار گرفتند.
این رقم با توجه به رقم کل بیسوادان در کشور یعنی
شکست کامل سیاست رژیم در این زمینه بود.
مقامات رژیم در آن سال دلایل این شکست را نبود
امکانات کافی، کمبود کلاسها، کمبایی کتابهای درسی
و عدم همکاری نهادها و سازمانهای دولتی اعلام
کردند.
دو سال بعد یعنی در سال ۶۰ بار دیگر گفته شد که
دولت قصد دارد با رفع نارسائیه ها و مشکلات قبلی
"طرح انقلابی" سوادآموزی را دنبال کند. در همان
سال ادعا شد که ظرف چهار سال آینده بیسوادی از
کشور ریشه کن خواهد شد. اما دیری نگذشت که
فیرجندی بودن اظهارات و طرحهای رژیم آشکار
شد. کمتر از یکسال بعد مقامات رژیم باز بیان همان
بتیه در صفحه ۴

سرمداران جمهوری اسلامی بار دیگر نهایش
مسخره ای بر راتحت عنوان "طرح ضربتی مبارزه
با بیسوادی" آغاز کردند. "طرح جدید" حکومت
برای بیسوادان آنهم این بار بصورت "ضربتی" از
روز دیدار رئیس جمهور رژیم با گروهی از معلمان و
آموزشیاران نهضت سواد آموزی در روز ۱۶
اردیبهشت اعلام شد.
در دیدار رفسنجانی و معاونین وی با جمعی از
دست اندرکاران "نهضت سوادآموزی" رئیس
جمهور و مقامات رژیم این بار نیز با قیافه و جملات
حق به جانب مردم را خطاب قرار داده و تلاش نمودند
گناه مسئولان و دست اندرکاران حکومتی را در
گسترش بلیه بیسوادی در کشور به گردن آنان
بیاندازند و حتی آنان را نیز گستاخانه تهدید کنند.
رفسنجانی در این دیدار در زمینه اجرای طرح
جدید سوادآموزی اظهار داشت: امیدواریم در
اجرای این طرح متوسل به اجبار نشویم، اما اگر
مردم از آن استقبال مناسبی به عمل نیاورند، دولت از
هر مجایی که در اختیار دارد استفاده خواهد کرد.
ارقامی که معاون رفسنجانی در زمینه گروه سنی
بیسوادان ارائه می دهد بیش از هر چیز حاکی از این
واقعیت است که حاکمیت سیاه یازده ساله آنها

حج و تنگنای ارزی

آخوندی بنام امام چهارمی که "نماینده رهبری و
سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه" است،
اعلام کرد امسال نیز مراسم حج بدون حضور زائران
ایرانی برگزار خواهد شد. بدین ترتیب اختلافات دو
رژیم تهران و ریاض باعث شد تا کسانی که از سالها
پیش برای رفتن به حج ثبت نام و مبلغی را پرداخت
کرده اند، برای سومین سال پی در پی از سفر به مکه و
مدینه محروم شوند.
در سال ۱۳۶۶، برخی از فرستادگان رژیم
بتیه در صفحه ۲

حمله وسیع اوباش و چاقو کشان رژیم به زنان برای

بقیه از صفحه اول

در روز ۱۶ اردیبهشت آواز شد. در روز ۱۶ اردیبهشت، بدنیاال چندین سخنرانی و موضع گیری و هشدار و اخطار و تهدید در نمازهای جمعه و مجلس و منابر، استانداری تهران بخشنامه ای انتشار داد که در آن آمده بود:

«موارد زیر به عنوان مظالم فساد و متک هفت عمومی و عدم رعایت حجاب تلقی و ارتکاب آن جرم و مجرم محسوب و تمویل به مقامات قضایی می باشد. الف: ظاهر شدن در معابر و اماکن و انتظار عمومی بدون رعایت حجاب و با آرایش به شکل نمایشی و زننده.

ب: استفاده از لباسهای زننده و خلاف هفت عمومی از قبیل لباسهای بدن نپا، تنگ و شلوارهای کوتاه، جوراب های توری و پانیا برای زنان و پیراهن های آستین حلقه ای و سینه باز و بدن نما برای مردان.

ج: استفاده از لباسها و وسایلی که دارای عبارات و تصاویر و نشانه های مستهجن بوده و علایمی که متعلق به گروه ها و نشریاتی است که مشهود به فسادند و یا مسلک آنها با اصول و ارزشهای انقلاب اسلامی در تضاد است.

در ادامه این بخشنامه، اجرای این موارد به عهده کمیته و رسیدگی به جرایم متخلفین بر عهده دادگاههای انقلاب گذاشته شده است.

بدینال انتشار این بخشنامه، روزنامه ها در روز پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت خبر از تشکیل جلسه کمیسیون جدیدی بنام «کمیسیون سیاست گذاری در امور مبارزه فرهنگی و اجرایی با مظاهر فساد» به ریاست نوری وزیر کشور دادند. در این جلسه، بار دیگر بر «مبارزه با مظاهر فساد» در مجامع و انتظار عمومی تاکید شد و شرکت کنندگان، یک گام هم فراتر نهادند و دایره شمول «سالم سازی» (نام جدید عملیات تحمیل حجاب) را به فروشگاهها، بوتیک ها، شرکت ها، آژانس ها، سالن های بهداشتی و زیبایی، رستوران ها و هتل ها، مراکز بهداشتی و

درمانی گسترش دادند.

در همین روز، کمیته آمادگی خود را برای اجرای تعرض جدید علیه «بدحجابی» اعلام کرد. از روز ۲۰ اردیبهشت، «مرحله شناسایی» متخلفین از بخشنامه جدید حجاب آغاز شد و تا روز شنبه ۲۲ اردیبهشت ادامه یافت. مطابق گزارش های دولتی افراد کمیته در سطح شهرها، بویژه تهران، پراکنده شدند تا مشخصات «بدحجاب ها» را در فرم های مخصوصی ثبت کنند. در اعلامیه کمیته آمده است این مشخصات توسط کامپیوتر، ضبط و منظم خواهد شد و موارد آن با سازمانهای استخدامی کشور، کمیته های انضباطی و امور تربیتی مدارس در میان گذاشته خواهد شد تا جزو سوابق آنان قرار گیرد. این اعلامیه می افزاید: «یکی دیگر از عملیات نیروهای کمیته، طرح سالم سازی دریای شمال، اجرای طرح کنترل کوه ها و پارک ها خواهد بود.»

پس از دو روز قدرت نمایی کمیته، اعلام شد که تنها در نخستین روز اجرای طرح جدید، ۲۰ نفر دستگیر شده اند و پرونده آنها به دادگاه ارجاع شده است.

از ماهها پیش، تن ندادن مردم و بویژه زنان به قیود تنگ و دست و پاگیر تحمیلی از سوی رژیم در مورد لباس، برخی از حزب اللهی ها و مقامات رژیم را برافروخته کرده بود و افراطی ترین آنها، پیوسته تهدید به آوردن «امت شهیدپرور» به صحنه می کردند. اینک قهقهه کشان «امت شهیدپرور» و مامورین انتظامی رژیم به میدان آمده اند تا در مبارزه ای که از ده سال پیش میان مردم و رژیم ادامه دارد، ابعاد نویینی از توحش و تحجر را به نمایش بگذارند. مقاومت مردم و بویژه زنان در مقابل اینگونه تحمیلات نشان داده می دهد که بسیج کنونی نیز گذرا بوده و نخواهد توانست چارچوب و معیارهای مورد نظر حضرات را، به همگان تحمیل کند. اما این تجلی مجدد نقض آشکار و هلنی ابتدائی ترین حقوق بشر، باید مورد انشأ و اعتراض عمومی قرار گیرد.

اجلاس گروه ۲۴ صندوق بین المللی پول

حکومت در زمینه سرمایه گذاری گفته است دولت به منظور افزایش کارایی اقتصادی، سیاست های جدید مالی و ارزی را دنبال می کند. وی اشاره کرده است که سیاست فروش سهام به مردم و مشارکت دادن مردم در بازسازی و سرمایه گذاری ادامه خواهد یافت. مدیر عامل صندوق بین المللی پول در پاسخ اعلام کرده است: صندوق بین المللی پول آماده است کمک فنی و مشورت لازم را در زمینه های مورد نیاز به ایران ارائه دهد.

در همین حال «کونا بل» رئیس بانک جهانی نیز طی ملاقاتی با هادلی گفته است بانک جهانی از بازگشت فعال ایران به این مرکز به عنوان یکی از اعضای موسس آن استقبال می کند و آماده است کمک های خود را برای توسعه پروژه های زیربنایی در اختیار ایران بگذارد. وی همچنین اشاره نمود: بانک جهانی علاقه دارد با ایران در زمینه اجرای پروژه های زیربنایی همکاری فعال و موثر داشته باشد. این اظهارات رئیس کل بانک جهانی نیز مورد استقبال هادلی قرار گرفت.

رئیس کل بانک مرکزی ایران در یک کنفرانس خبری اعلام کرد با اقدام مشخصی از جانب ایران برای دریافت وام و اعتبار از صندوق بین المللی پول و بانک جهانی صورت نگرفته است، اما در صورت لزوم ایران از حق خود در این باره استفاده خواهد کرد.

وی افزود: تخمین زده شده که ایران در طول برنامه ۵ ساله جاری به ۱۷ میلیارد دلار منابع مالی خارجی نیاز دارد که به طرق مختلف از جمله از طریق توافق های دوجانبه نسبت به تامین آن اقدام خواهد کرد.

نحوه تولید و عرضه کالا با ارز رقابتی

در زمینه تنخواه صادراتی نیز امسال میزان آن ۳ برابر شده و به ۳۰۰ میلیون دلار افزایش یافته است.

وزیر صنایع در این مصاحبه همچنین شایعات مربوط به حذف سوبسیدهای دولتی در مورد برخی از کالاهای سهمیه بندی کوپنی را رد کرد و اضافه نمود که ارز این کالاها تامین شده و کمترین کمک های دولت ادامه خواهد داشت. در زمینه استفاده از ارز

کارخانجات برای تولید کالاهای صادراتی یکی از برنامه های وزارت صنایع است که از طریق استفاده از دو بخش ارز دولتی و رقابتی، از طریق بیع متقابل (بایک) و از طریق تسهیلات جدید نظیر تنخواه صادراتی دنبال می شود. وی گفت: «در زمینه بیع متقابل هیچ مشکلی نداریم، ۲ میلیارد دلار سهمیه دارد و آئین نامه اجرایی آن چند روز قبل از سوی هیات دولت به تصویب رسیده است.

نعمت زاده وزیر صنایع در یک مصاحبه مطبوعاتی ضمن برشمردن دستاوردهای سیاست اقتصادی حکومت در زمینه تمویل ارز رقابتی به واحدهای اقتصادی اعلام داشت که تامین ارز رقابتی بهترین عامل در افزایش تولید کارخانه ها و کاهش قیمت های آزاد برخی کالاها می باشد.

نامبرده در ارتباط با سیاست ها و برنامه های جدید دولت اعلام کرد: استفاده کامل از ظرفیت

افزایش بودجه عمرانی بر روی کاغذ

طرح های عمرانی به مرحله بهره برداری رسیده است.

خاطر نشان می شود که ادعاهای معاون سازمان برنامه و بودجه رژیم در زمینه افزایش بودجه عمرانی کشور بر پایه برنامه مصوب هیئت دولت در سال جدید می باشد که در آن بخش عمده از درآمدهای دولت از طریق دریافت مالیات بر درآمد و فروش نفت صورت می گیرد.

هم در زمینه درآمدهای ریالی دولت از طریق دریافت مالیاتهای مستقیم و هم در زمینه تامین منابع ارزی آن از طریق فروش نفت در بازارهای جهانی، تجربه سالهای گذشته و اوضاع نابسامان و مرج و مرج کنونی و کاهش جدی بهای نفت نشاندهنده این واقعیت است که رژیم قادر به تامین این بودجه نیست و افزایش بودجه طرح های عمرانی تنها بر روی کاغذ صورت گرفته است.

بر اساس گفته های نیلی، معاون سازمان برنامه و بودجه کشور، بودجه عمرانی سال جاری کشور حدود یک هزار و ۷۰۰ میلیارد ریال است که نسبت به سال گذشته ۲۰ درصد و نسبت به سال ۶۷ حدود ۶۰ درصد افزایش داشته است.

معاون سازمان برنامه و بودجه در زمینه طرح های عمرانی کشور افزود: در سال جاری جهت تامین مصالح مورد نیاز طرح های عمرانی یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار ارز در نظر گرفته شده و در سال جاری نیز میزان یک هزار و ۴۰۰ میلیون دلار ارز برای تهیه ماشین آلات عمرانی کشاورزی اختصاص یافته است.

وی در زمینه اهداف و برنامه های ۵ ساله حکومت گفت: دولت در حال حاضر ۵ هزار میلیارد ریال طرح نیمه تمام دارد که اگر به بهره برداری برسد سالانه ۵۰۰ میلیارد ریال خسارت دیرکرد به آنها تعلق می گیرد. وی متذکر شد در سال ۶۷ تنها ۸ درصد از

کاهش سهمیه تولید نفت اعضای اوپک

در پی کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی، کشورهای عضو اوپک تصمیم به برگزاری اجلاسی فوق العاده برای مقابله با کاهش قیمت نفت گرفتند. در پایان این نشست، اعلام شد که کشورهای عضو تصمیم گرفته اند که برای مدت دو ماه به میزان یک میلیون و ۴۴۵ هزار بشکه در روز از تولید خود بکاهند.

در ماه های اخیر برخی از کشورهای عضو اوپک اقدام به تولید بیش از حد سهمیه مجاز خود کرده بودند و این یکی از عوامل اصلی کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی شد. بر اساس تصمیم گیری جدید میزان کاهش تولید برای هر کشور به شرح زیر تعیین شده است:

نام کشور	بشکه در روز
ایران	۲۰۰ هزار
امارات متحده عربی	۲۰۰ هزار
اکوادور	۷ هزار
اندونزی	۴۰ هزار
الجزایر	۲۰ هزار
عراق	۲۰ هزار
هرستان سعودی	۴۳۰ هزار
قطر	۳ هزار
کویت	۴۰۰ هزار
گابون	۷۳ هزار
لیبی	۷۷ هزار
نیجریه	۱۴۰ هزار
ونزوئلا	۱۵ هزار

مطابق اظهار نظرهای وزرای نفت کشورهای عضو اوپک، دولت های متبوع آنان خود را موظف به اجرای طرح سهمیه بندی جدید می دانند. این مقامات همچنین اظهار خوشبینی کرده اند که بر اساس کاهش تولید نفت از جانب اوپک، طی ۶ تا ۸ هفته آینده امکان افزایش مجدد قیمت نفت به سطح ۱۸ دلار در هر بشکه که بهای پایه نفت اوپک می باشد، وجود دارد.

رقابتی نامبرده خاطر نشان ساخت که از آبان ماه ۸۶ که طرح تامین ارز رقابتی کارخانجات آغاز شد تا پایان اسفند ماه بیش از ۵۴۰ میلیون دلار ارز به واحدهای متقاضی داده شده است، و برای سال ۶۹ کارخانجات هر چند ارز بخواهند در اختیارشان گذاشته می شود.

در همین مصاحبه میزان تقاضا برای سرمایه گذاری در بخش تولید در طی ۸ ماهه گذشته بیش از ۲۷ هزار مورد اعلام شد که بنابه گفته وزیر صنایع تا کنون با ۵۰ درصد این تقاضا موافقت شده است.

لازم به ذکر است که یکی از اهداف عرضه ارز رقابتی شکستن قیمت بازار آزاد ارز اعلام شده بود. در هنگام عرضه ارز رقابتی بود دلار ۱۱۴ تومان معامله می شد. اکنون قیمت هر دلار در بازار آزاد به ۱۴۲ تومان رسیده است.

حج و تنگنای ارزی

بقیه از صفحه اول

خمینی به کاروان حج، در هرستان دست به تظاهرات علیه اسرائیل و رژیم سعودی زدند که مورد حمله و حشیانه پلیس سعودی قرار گرفت. در این حادثه خونین، ۴۰۰ زائر که تقریباً همگی ایرانی بودند، قتل عام شدند. پس از این حادثه، هرستان از سهمیه زائران ایرانی کاست و با خواست رژیم جمهوری اسلامی برای اعزام ۱۵۰ هزار نفر به سفر حج مخالفت کرد. از آن پس، از یک سو تخریبان بر سهمیه ۱۵۰ هزار نفری خود تاکید کرده و از سوی دیگر، رژیم سعودی همواره با این تعداد مخالفت ورزیده است. در سال ۶۷ و ۶۸ به دستور شخص خمینی توافق در مورد سفر ایرانیان به مکه، منوط به پذیرش رقم ۱۵۰ هزار نفر از سوی هرستان گردید. امسال نیز با اینکه دیگر از سوی مقامات رژیم بر این رقم تاکید نمی شود و هلیکوپتر سفر فرستاده رژیم به ریاض، توافقی حاصل نشد.

به نظر می رسد عامل مهمی که در پافشاری رژیم آخوندی بر شرایط غیر قابل پذیرش از سوی سعودی ها موثر است، تنگنای ارزی جمهوری اسلامی است. در صورت اعزام زائران به حج، رژیم ناچار خواهد بود دهها میلیون دلار به نرخ ارزان در اختیار کاروانها بگذارد. آنچه این ظن را تقویت می کند، این است که لمن مقامات رژیم در مورد هرستان سعودی ملایم تر از سالهای گذشته شده و قاعدتا به لحاظ سیاسی موانع همدی بر سر راه شرکت ایرانیان در حج وجود ندارد. به ویژه باید در نظر داشت که در سالهای جنگ و همزمان با حمایت گسترده ریاض از عراق، کاروانهای ایرانی مرتباً به هرستان اعزام می شدند.

در روز دهم اردیبهشت، علی محمد بشارتی قائم مقام وزیر خارجه طی یک کنفرانس مطبوعاتی در ابوظبی گفت: تحقق هیچ چیزی در شرایط موجود غیر ممکن نیست و ما می توانیم مشکلاتمان را با هرستان در محیطی آکنده از تفاهم متقابل حل کنیم. در حالیکه ابر قهر آنها اختلافات خود را با یکدیگر حل می کنند چرا ما نتوانیم با کشورهای اسلامی بویژه هرستان سعودی توافق کنیم. (کیهان ۱۱ اردیبهشت)

سفر بی نظیر بوتو به تهران

بی نظیر بوتو نخست وزیر پاکستان سه شنبه هفته گذشته به منظور انجام دیداری یک روزه وارد تهران شد. در سفر نخست وزیر پاکستان به تهران جمعی از مقامات بلندپایه این کشور منجمله صاحب زاده یعقوب خان وزیر خارجه وی را همراهی کردند.

گفته می شود خانم بی نظیر بوتو بر اساس یک برنامه تنظیمی دیدار از کشورهای منطقه، از کشورهای کویت، سوریه و مصر هم دیدار خواهد کرد.

قابل ذکر است که قبل از سفر خانم بوتو به تهران، محسن نوربخش وزیر امور اقتصادی و دارایی حکومت اسلامی روز چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت در راس یک هیات اقتصادی - تجاری جهت شرکت در پنجمین اجلاس مشترک اقتصادی ایران و پاکستان وارد اسلام آباد شده بود.

در اجلاس مشترک اخیر مسائل روابط اقتصادی و همکاری های مختلف دو جانبه در کشور و چگونگی اجرای قرارها و برنامه های طرفین مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

وزیر امور اقتصادی و دارایی حکومت قبل از نشست اخیر اعلام داشته بود که علاوه بر بحث حول ایجاد تضمین هائی جهت اجرای برنامه ها، فعال ساختن اکو و کارخانه نساجی پارک - ایران و افزایش همکاری های دو کشور در زمینه انرژی، بازرگانی، تحقیقاتی، عمرکی و فرهنگی از جمله موارد اصلی بحث های مقامات اقتصادی دو کشور در پنجمین اجلاس مشترک بوده است.

امید به ...

بقیه از صفحه اول

بود که موضوع آن از جانب جمهوری اسلامی با بی‌اعتنایی کامل شتال گردید. متن کامل آن نامه توسط مقامات دو کشور مخفی ماند.

علیرغم عدم انتشار متن نامه اخیر، بر پایه اظهارات پراکنده مقامات دو کشور و همچنین اطلاعات منتشره توسط نشریات مختلف، گفته می‌شود در این نامه هدام حسین بار دیگر مقامات ایرانی را به مذاکره مستقیم دعوت کرده است. در روزنامه‌های دولتی ایران و همچنین برخی از مطبوعات کشورهای عربی علاوه بر انتشار خبر فوق، اخباری دایر بر محل مذاکرات و پیشنهادات جدید دولت عراق مطرح گردیده است. در این رسانه‌ها اعلام شده که دولت عراق مذاکرات در پایتخت عربستان سعودی را پیشنهاد کرده است. همچنین گفته می‌شود رئیس جمهور عراق قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزیره را بعنوان مبنای مذاکرات پذیرفته است. برخی اخبار متناقض در مورد پذیرش این قرارداد از جانب دولت عراق نیز وجود دارد. رسانه‌های ایران در این زمینه اظهار نظر کرده‌اند که عراق هنوز هم در عدم پذیرش این قرارداد و تهدید نظر در آن اصرار ورزیده است.

در کنار اخبار مربوط به مذاکرات صلح و شرط و شروطهای مطرح شده، اخبار دیگری نیز از منابع مختلف انتشار یافته که حاکی از بند و بستهای پنهانی بین مقامات دو کشور است. برخی از رادیوهای فارسی‌زبان و همچنین کیهان هوایی وابسته به حکومت جمهوری اسلامی خبر داده‌اند که در ارتباط با ارسال این نامه محدودیت‌هایی برای کادر رهبری و اعضای سازمان مجاهدین خلق در عراق بوجود آمده است. کیهان هوایی در همین زمینه از قول ناظران آگاه می‌گوید که "دولت عراق برای صلح نیازمند آن است که از سازمان به اصطلاح مجاهدین بهره‌برداری کند، زیرا می‌تواند در پشت میز مذاکره مورد معامله

قرار گیرند."

در مطبوعات جمهوری اسلامی همچنین این خبر منتشر شد که بدنبال ارسال نامه هدام حسین به رفسنجانی، یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین نیز نامه‌ای برای رهبران حکومت اسلامی ارسال داشته و در آن بر لزوم حل اختلافات میان دولتهای منطقه جهت مقابله فوری با اقدامات دولت اسرائیل در سرزمینهای اشغالی تاکید ورزیده است. و این نیز موضوعی است که گفته می‌شود در نامه هدام حسین به رفسنجانی مورد تاکید قرار گرفته است. همانطور که در شماره گذشته اکثریت گفته شد برای اظهار نظر قطعی پیرامون نامه اخیر و روندهای آتی در مذاکرات صلح احتیاج به اطلاعات بیشتری وجود دارد. واقعیت این است که رسانه‌های گروهی در زمینه اصلی‌ترین موضوع اختلافات در روند ۲۵ ماهه مذاکرات یعنی پذیرش قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزیره بعنوان مبنای مذاکرات از سوی دولت عراق و همچنین آمادگی این کشور برای اجرای طرح زمان‌بندی شده قطعنامه ۵۹۸ اطلاعات متناقضی را منتشر ساخته‌اند. این موضوع سبب می‌شود که با قطعیت کمتری پیرامون تحولات آتی سخن گفته شود. در همین حال شواهدی نیز در دست است که این امید را ایجاد می‌کند که در خروج از بن‌بست کنونی مذاکرات صلح ایران و عراق مفری یافت شود.

در طول چندماه گذشته خبرهای متعددی از سوی رسانه‌های گروهی عربی در زمینه تسلیح نیروهای نظامی ارتش عراق به مدرن‌ترین و پیشرفته‌ترین سلاحهای جنگی انتشار یافت. دولت اسرائیل نیز آشکارا به تهدید جنگی علیه دولت عراق پرداخت و عراق نیز کارزار تبلیغاتی علیه دولت اسرائیل در جهان عرب را دامن زده و بدین خاطر حمایت جهان عرب در مبارزه علیه تبلیغات دولتهای غربی و دولت اسرائیل را جلب کرده است. دولتهای لیبی و سوریه که روزی از هم پیمانان و حمایت‌گران حکومت اسلامی بوده‌اند در این کارزار تبلیغاتی جانب دولت عراق گرفته و حمایت آشکار خود را از رژیم صدام در

مبارزه علیه اسرائیل اعلام نموده‌اند. انتشار اخبار مربوط به تجهیز ارتش عراق به سلاحهای شیمیایی مرگبار، توپهای دوربرد قوت‌آسا و تلاش این رژیم برای دستیابی به سلاحهای اتمی در شرایط ضعف جدی نیروی نظامی جمهوری اسلامی و بنیه ضعیف مالی برای جبران این عقب‌ماندگی از سوی دولت عراق دیگر اعمال فشار بین‌المللی بر روی رژیم عراق در کنار این واقعیت که هر دو رژیم‌تأثیر به ادامه وضعیت نه جنگ و نه صلح نبوده و با بحرانهای جدی درونی روبرو هستند، در سیر آتی رویدادهای معانی خاص خود را می‌یابند.

بی‌جهت نیست که بعد از نامه مذکور موسویان مدیرکل وزارت خارجه رژیم در وین اعلام حمایت دولت متبوعش از رژیم عراق در مبارزه علیه اسرائیل را بیان می‌کنند؛ و همچنین بار دیگر سفرهای مقامات وزارت خارجه دولت شوروی در ارتباط با مسائل مذاکرات صلح ایران و عراق آغاز می‌گردد.

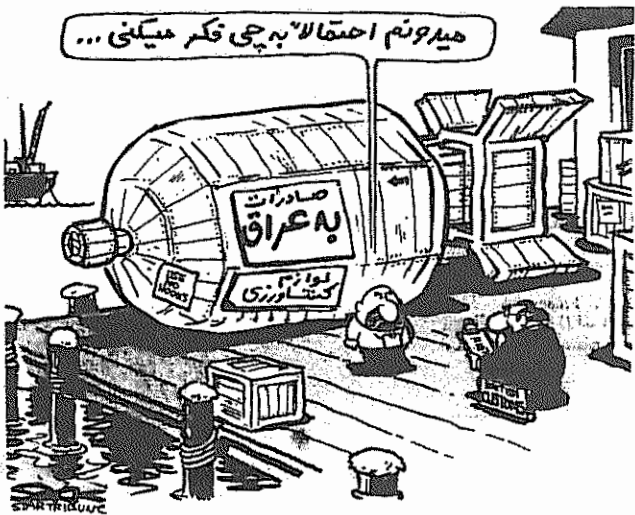
سفر رسمی ولادیمیر پتروفسکی معاون امور بین‌المللی وزارت خارجه شوروی در ۱۹ اردیبهشت به تهران و طرح مجدد پیشنهادات دولت شوروی برای از سرگیری

بقیه از صفحه اول

احمد خمینی خواسته شده است که "در صورت محتمل نامه مبارک حضرت امام پیرامون خط مشی ویرانگر نشریه رسالت را در اختیار مجلس شورای اسلامی و افکار عمومی قرار دهند. باشد که ماهیت این روزنامه و گردانندگان از قلم مبارک امام در اختیار عموم جامعه قرار گیرد و مردم همیشه در صحنه این حضرات را به خوبی بشناسند." و از سوی دیگر بر کوششهای روزنامه رسالت برای "مسخ اندیشه‌ها و مواضع امام" تاکید شده است.

پایه طرحی که اکنون دیگر از تصویب مجلس گذشته است دایر

مذاکرات صلح و میانجیگری این کشور بر پایه قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل و مخالفت این کشور با طرح مرگ‌گونه پیش شرط در روند مذاکرات با توجه به اظهارات معاون امور بین‌الملل وزارت امور خارجه ایران مبنی بر اتخاذ تصمیم برای برقراری صلحی پایدار از سوی ایران می‌تواند نشان‌دهنده این واقعیت باشد که روند آتی مذاکرات صلح بگونه‌ای دیگر پیش رود و این مذاکرات از بن‌بست خارج گردد.



اعتراض ۱۴۳ نماینده مجلس به روزنامه رسالت

"رجاء" و "الهادی" و ... حل خواهند شد؟

رسالت همچنین پیشاپیش سگربندی لازم را برای مقابله با تهدید احتمالی آتی از جانب احمد خمینی فراهم آورده و فراتر از این، حریف را متقابلاً به تخطئه "نظرات صریح امام" متهم کرده است. رسالت در پاسخ‌اش آورده است: "فرض کنیم در آن نامه امام امت به صاحب امتیاز روزنامه (آذری قمی) از باب نصح تذکراتی فرموده باشند، سپس با استناد به نامه دیگری از خمینی به آذری قمی چنین ادامه داده‌اند: "وچند روز بعد هم ... مرحوم فرموده باشند: شما از چهره‌های فاضل و مبارز و دل سوخته انقلاب هستید..." آخر الامر هم رسالت به جناح حریف تاخته است که "چرا بر خلاف نظرات صریح امام راحلما چنین اتهامات زشتی را وارد می‌کنید؟"

پیداست که میراث پر تناقض خمینی گری را از کار هیچیک از طرفین در مواجهه علیه دیگری نگشاید. پس دست‌اندرکاران

بر این که جاهلین "اندیشه‌ها و مواضع امام" مجازات شوند قابل توجه است. همچنین دعوت نویسندگان نامه از احمد خمینی برای آن که نامه خمینی را در اختیار مجلس بگذارد، در واقع دعوتی است از او تا در این کشمکش فزاینده نقش صریح‌تر و فعال‌تری ایفا کند. بنظر می‌رسد تصمیم احمد خمینی در ایام اخیر برای این که از میدان کشمکش‌ها پاپس کشد و در پشت صحنه عمل کند چندان مطلوب نویسندگان نامه نبوده است. به واقع هم در مقابله بین جناح‌های حکومتی و امروزه وسعت و حدت خاصی یافته و هر صدهای مختلفی را دربر گرفته است جناح "تندرو" جدا نیازمند پشتیبانی با مهر و نشان "یادگار امام" است.

پاسخ رسالت: دو روز پس از درج نامه اعتراضی ۱۴۳ نماینده، پاسخ رسالت انتشار یافت. رسالت در پاسخ خود به سیاست شلاق و شیرینی در قبال جناح مقابل متوسل شده است. چپاولی که زیر پوشش این و آن بیناد توسط دولتمردان و همه جناح‌های حکومت اسلامی، صورت گرفته است طبقاً خارج از دایره عمل و اطلاع رسالت نیست. رسالت در نوشته پیشین خود به "چند نفری" از نمایندگان مجلس تاخته بود. نمایندگان "جناح تندرو" هم که به روشنی می‌دیدند آماج کلام رسالت تنها چند نفر نیستند به تمهیه نامه اعتراضی دست زدند و رسالت نیز که این "روشن بینی" را دریافته در پاسخ‌اش آورده است: "این موضع‌گیری شتاب زده مجلس را زیر سوال می‌برد چرا که مردم از خود می‌پرسند چه اتفاقی افتاده است؟ آیا وقتی سخن از "رجاء" و یا "الهادی" می‌رود به زعم آقایان به همه مجلس تهاجم شده است؟" نیز از همین روست که در پاسخ رسالت در رابطه با درخواست نمایندگان از احمد خمینی می‌خوانیم: "آیا فکر می‌کنید با افشای چنین نامه‌ای مشکل دست‌اندرکاران بنیاد

ادامه کشف محموله‌های

تسلیمات برای عراق

توپ دوربرد عراق ارسال می‌شده است، کشف و مصادره کرده است. مقامات ایتالیایی می‌گویند قطعات مزبور مربوط به توپی بوده است که بیش از ۳۵۰ کیلومتر برد دارد. این توپ، موسوم به پی - سی - ۲، در صورت تکمیل ساختمان آن می‌توانست کلاهک‌های هسته‌ای و شیمیایی نیز حمل کند. در روز شنبه، ۱۲ ماه مه، نیروهای پلیس ایتالیا در رم و سه شهر دیگر بطور همزمان دست به عملیاتی علیه سازندگان و صادرکنندگان این قطعات زدند. در بندر ناپل چهار کانتینر حاوی این قطعات که در کارخانه فولادسازی "فوجینه"، در شمال رم ساخته شده بود، مصادره گردید. مقصد این محموله‌ها، بغداد بود و ظاهراً محتویات آن قطعات فولادی لوله‌های نفت اعلام شده بود.

پلیس ایتالیا همچنین در چند خانه در رم مدارکی پیرامون معاملات شرکت‌های ایتالیایی با عراق به دست آورد. مقامات ایتالیایی گفته‌اند در آوریل سال گذشته، عراق سفارش ساختن قطعات توپ دوربرد خود را به شرکت ایتالیایی داده است. این مقامات می‌افزایند قطعات ساخته شده در ایتالیا با قطعاتی که در ماه آوریل در بریتانیا و یونان کشف شد، مطابقت دارد. شرکت ایتالیایی "فوجینه" که‌ماکان مدعی است وزارت صنایع عراق سفارش قطعات مزبور را برای لوله‌های نفت داده است.

"رسالت" چاره مناسب‌تر را در توسل به شیرینی و پیشنهاد مصالحه یافته‌اند: "سازا چرا این گونه سخن بگوئیم. کلمات و واژه‌ها دارای چنان بار خصومتی است که انگار داریم از سخت‌ترین دشمن خود سخن می‌گوئیم. ما همه باهم برادریم و می‌توانیم اشکالات و مسائل‌مان را بالحنی برادرانه حل کنیم." واقعا هم اگر دامنه افشاگرهای طرفین علیه یکدیگر بخواهد بالاتر از این اوج گیرد، دیگر چاره‌ای نمی‌ماند جز آنکه "مسائل و مشکلات با لحنی برادرانه حل شوند."

از کلمات قصار "یادگار امام"

احمد خمینی که پدرش تا وقتی زنده بود نمی‌گذاشت زیاد بلبل زبانی کند و با حماقت بی‌مثالش آبروی اسلام و مسلمین را برده، گویا باورشی شده که امت همیشه در صحنه، هر لحظه برای رهنمودهای مشعشع او بی‌تابی می‌کند و هر از چندی، اظهارنظرهای جالبی از خود بروز می‌دهد. از جمله:

"ما باید به مردم بگوئیم تا چند سال آینده از ارزانی خبری نیست و عده‌های کاذب به آنها ندیم." (دیدار ۶ اردیبهشت با مصلحان و پرسنل ارتش)

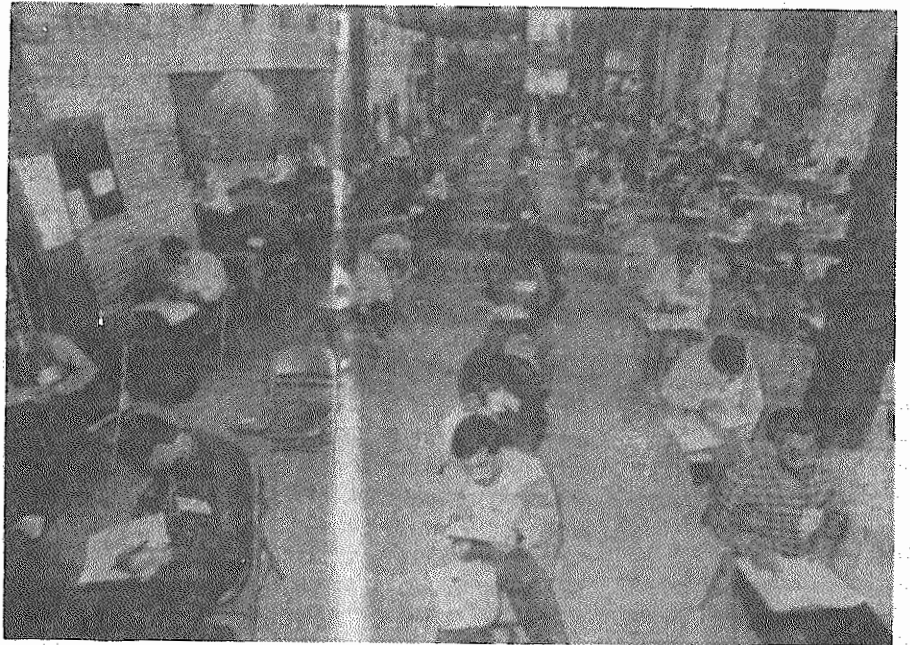
"باید به مردم بگوئیم که جنگ با آمریکا سخت است." (همانجا)

"مساله مبارزه با آمریکا جدی است." (بر سرگور پدرش، ۱۳ اردیبهشت)

"اگر برای شما کارگران ما امروز به بهترین وجه و سایل رفاهی را فراهم کنیم اما نقش دشمنان شمارا روشن نکنیم تا بدانید که دشمن اصلی شما کیست و چیست، چه حکومت و دولتی است مطمئن باشید برای دین و دنیای شما کاری نکرده‌ایم." (در روزگارگر)

"امروز که بوش و میتران برای هیدفطر اعلامیه می‌دهند، ما می‌دانیم چرا، برای اینکه امام حکومت اسلامی بپاکرده که روبروی شرق و غرب ایستاده است و آنها مقابل امام ایستاده‌اند." (باز هم بر سرگور پدرش، ۱۲ اردیبهشت)

کنکور ۸۰ هزار نفری دانشگاهها بر گزار شد



در جستجوی آینده خود سر بر برگه آزمون فرود آورده‌اند، تنها معدودی از اینان به دانشگاه‌ها راه خواهند یافت. امکانات بسیار محدود است و نیمی از امکانات پذیرش در دانشگاه‌ها نیز به نور چشمی‌های رژیم اختصاص دارد. شانس هر یک از شرکت‌کنندگان در کنکور کمتر از ۶ درصد است. بقیه به صف بیکاران و دیگر جوانان مبهم آینده خواهند پیوست.

فراخوان نشریه اکثریت

چه انتظاری از کنگره داریم، با چه مدنی به کنگره می‌رویم؟

نخستین کنگره سازمان در پیش است. اکثر نمایندگان برگزیده شده‌اند و اکنون به وظایفی می‌انديشند که اراده انتخاب‌کنندگان آن‌ها بر همدشان گذاشته است.

چه انتظاری از کنگره داریم و با چه مدنی به کنگره می‌رویم؟ این‌ها پرسش‌هایی است که ذهن همه رفقای را که به نحوی در تدارک کنگره شرکت داشته‌اند، به خود مشغول داشته است. نشریه اکثریت هم‌این رفقاء، اهم از انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شدگان را فرا می‌خواند به‌طور فشرده پاسخ‌های خود به این پرسش‌ها را به نشانی نشریه ارسال دارند تا در صفحه‌ای که به عنوان تریبون عمومی تدارک کنگره در نشریه گشوده می‌شود، چاپ شود.

تاکید می‌کنیم که پاسخ‌ها باید فشرده باشد تا ناچار نشویم برای استفاده برابر همگان از این تریبون نوشته‌ها را خلاصه کنیم. پیش‌بینی ما این است که در هر شماره یک صفحه را به تریبون کنگره اختصاص دهیم و در آن سه الی چهار پاسخ را درج کنیم. این فراخوان شامل اعضای رهبری سازمان نیز هست.

برای ما انگیزه و هدف خود از شرکت در تدارک و برگزاری کنگره و انتظار خود از آن را بنویسید.

دیباچه

م. سرشک (شفیعی کدکنی)

بخوان به نام گل سرخ، در صحاری شب،
که باغها همه بیدار و بارور گردند.
بخوان، دوباره بخوان، تا کبوتران سپید

به آشیانه خونین دوباره برگردند.

بخوان به نام گل سرخ، در رواق سکوت،
که موج و اوج طنینش ز دشتها گذرد؛

پیام روشن باران،

ز بام نیلی شب،

که رهگذار نسیمش به هر کرانه برد.

ز خشکسال چه ترسی؟ - که سد بسی بستند:

نه در برابر آب،

که در برابر نور

و در برابر آواز و در برابر شور...

در این زمانه عسرت،

به شاعران زمان برگت رخصتی دادند

که از معاشقه سرو و قمری و لاله

سرودها بسرایند ژرفتر از خواب،

زلالت از آب.

تو خامشی، که بخواند؟

تو می‌روی، که بماند؟

که بر نهالک بی‌برگ ما ترانه بخواند؟

از این کریوه به دور،

در آن کرانه، ببین:

بهار آمده، از سیم خاردار گذشته.

حریق شعله گوگردی بنفشه چه زیباست!

هزار آینه جاری‌ست.

هزار آینه

اینک

به همسرانی قلب تو می‌تپد باشوق.

زمین تهی‌ست ز رندان؛

همین توئی تنها

که عاشقانه‌ترین نغمه را دوباره بخوانی.

بخوان به نام گل سرخ و عاشقانه بخوان:

«حدیث عشق بیان‌کن بدان زبان که تودانی.»

دلجویی خامنه‌ای از نویسنده مقاله

“مذاکره مستقیم”

مهاجرانی می‌گوید:

“برادر گرامی آقای عطاءالله مهاجرانی

شتیدم بعضی‌ها از حرفهای

امروز من قصد طعن و توهین

نسبت به جناب‌عالی استنباط

کرده‌اند و شاید بعضی خواسته‌اند

یا بخواهند آن را مستمسکی برای

اهانت به شما بسازند. اعلام می‌کنم

که این استنباط قلم‌است. من یک

فکر را تخطئه کرده‌ام و نیت

توهین به کسی نداشته‌ام و اگر

بدون اراده من به شما توهین شده

است از شما هذر می‌خواهم. من

شماره سال است به صدق و صفا و

عطاءالله مهاجرانی، معاون

رفسنجانی و نویسنده مقاله

“مذاکره مستقیم” در روزنامه

اطلاعات که به دلیل اظهار نظر

صریح به جانبداری از گفتگوی

مستقیم با آمریکا مورد حمله

شدید افراطیون دستگاه حکومت

قرار گرفته بود، توانست پس از

مخالفت خامنه‌ای با “مذاکره

مستقیم” در سخنرانی ۱۲

اردیبهشت رهبر رژیم، از

دلجویی ولایت فقیه بهره‌مند

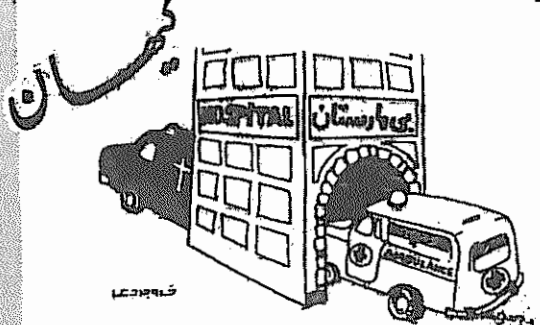
شود. خامنه‌ای در نامه‌ای که متن

دست‌نوشته آن را روزنامه‌ها

کلیشه کرده‌اند خطاب به

۲۴ ساعت بستری بدون

پزشک و سرانجام، مرگ...



پزشک اطلاع داد، پزشک دستور

تزیق چند آمبول را داد.

بالاخره روز بعد بیمار بدرود

حیات گفت. شایان توجه است

بدانید که در آن روز هیچ پزشکی

در آن بیمارستان حضور نداشت

تا بداد و همسر و فرزندم برسد.

از آنجا که از اینگونه اخبار بارها

و بارها به چاپ رسیده و لسی

نمی‌دانم چرا باز هم باید شاهد

وقوع چنین حوادث ناگواری

باشیم؟

به امید رسیدگی و پیگیری

سازمان نظام پزشکی.

امین گنج

همسر را که هفت ماهه

باردار بود، برای معاینه به بخش

زنان بیمارستان... اردبیل بردم،

در همان روز ۶۹/۱/۸ قرار بر این

شد که پس از انجام آزمایشهای

لازم و همچنین جهت کنترل

فشار خون در همان بخش

بستری شود، اما متأسفانه پس از

۲۴ ساعت بستری حتی یکبار هم

پزشک از وی معیادت نکرد، به

طوری که وضع جسمانی همسر

ساعت به ساعت رو به وخامت

گذاشت. زمانی که پرستار وضع

وخیم بیمار را به وسیله تلفن به

بار دیگر “طرح ضربتی بیسوادی”

پتیه از صفحه اول

مشکلات،

اجباری، اعلام می‌شود.

و برآستی رقم اعلام شده در

کارنامه رژیم برای باسواد کردن

افراد چه چیزی را نشان می‌دهد:

مطابق ادعاهای خود رژیم تنها در

این سالها ۳ میلیون نفر موفق به

اخذ گواهینامه سوادآموزی

شده‌اند و این در حالی است که

بیش از ۲ میلیون نفر از کودکان

میهنمان محروم از کلاسمای

درس و لوازم تعلیم در پشت

درهای بسته باقی مانده‌اند و

هر ساله نیز بر تعداد آنان افزوده

می‌شود.

این کارنامه اگر باز هم در کنار

همکرد جنایتکارانه حکومت در

دشمنی با فرهنگ و دانش و اضرار

تحصیل کرده جامعه ترار داده

شود، باز هم پوچی حرفهای

مقامات رژیم روشنتر می‌شود.

معضل بیسوادی همانند دهها

معضل اجتماعی دیگر ریشه در

جائی دارد که جمهوری اسلامی نه

حاضر و نه قادر به حل آنهاست.

خود این حکومت با حیات خود به

گسترش آنها دامن زده‌است و

طرحهای “ضربتی”، “انقلابی”

و “ملی” جز هوامگریزی و

گناهکار قلمداد کردن دیگران

مدنی را دنبال نمی‌کند. این طرح

همانند طرحهای دیگر باز هم

شکست خواهد خورد و بیسوادی

باز هم گسترش خواهد یافت

و همچون خوره جان و روان

مردم میهنمان را خواهد خورد.

شکست طرح را اعلام کردند.

سال ۱۶ بار دیگر طرح جدیدی

اعلام شد. مقامات رژیم بار دیگر

اصرار ورزیدند که مردم باور کنند

که آنها کلید حل این مشکل را

یافته‌اند و آنها با طرح ضربتی دیگر

بر اساس “تبلیغ و تشویق”،

مشکل بیسوادی را حل خواهند

کرد و مدتی بعد باز هم اعلام

شکست.

سال ۳۶ طرح “ضربتی”

آموزش فردبفرد به مورد اجرا

درآمد.

سال ۵۶ طرح منطقه‌ای کردن

مبارزه با بیسوادی دنبال شد و

نتیجه: باز هم هدم موفقیت، سال

۷۶ نهضت سوادآموزی با انتقاد از

ارگانها و سازمانهای دولتی

خواستار برخورد جدی با معضل

بیسوادی شد. طرح از مجلس به

مجمع تشخیص مصلحت برده شده

و سپس مجمع تشخیص مصلحت

طرح اجباری سوادآموزی را

مورد بحث و بررسی قرار داد و از

آنجا که حل این بلیه اجتماعی یک

“ضرورت فوری” در نزد آقایان

مجمع تشخیص مصلحت تشخیص

داده شد، مصلحت نظام را در آن

دیده شد که این طرح دو سال در

مجمع مورد “شور و مشورت”

قرار گیرد. و حال در سال ۹۴ از

زبان رئیس‌جمهور “حق به جانب

طرح ضربتی سوادآموزی” با

استفاده از شیوه‌ها و اهرمهایی

درباره اشاره شاملو

به موسیقی

سنتی ایران

در شماره ۳۵۳ «اکثریت» مقاله‌ای با عنوان «دمکراسی این آقایان» چاپ شده بود. نویسنده، در ادامه مقاله مزبور، مطلبی از آهنگساز و نوازنده معروف، محمدرضا لطفی را همراه با مقدمه‌ای برایمان ارسال داشته است که در زیر به درج آن می‌پردازیم:

در دو شماره پیش، از این قلم، به سفرانی هفتم آوریل احمد شاملو در دانشگاه برکلی کالیفرنیا آمریکا اشاره شد. در آن مقاله به برخورد تند و خشن برخی از مدافعین سلطنت که نظرات احمد شاملو را مغایر اندیشه‌های خود می‌دانستند انتقاد شده بود. نیز بر این نکته تاکید شده بود که هدف مقاله «به هیچ وجه تایید همه گفته‌ها و چگونگی برخورد احمد شاملو» در سفرانی مورد نظر نیست. هدف آن مقاله، به نقد کشیدن رویارویی خشن بود که به جای برخورد مستدل با نظریات شاملو صورت گرفته بود. مقاله چنین تصریح داشت: «تأسف‌انگیز است که منتقدین به جای بحث مستدل با شاملو و نقد مدال ایده‌های او، خود او را با طرح مسائلی نظیر این که او پیر شده، آسیب دیده، در تصادف معیوب شده و قهره مورد حمله قرار دادند و سعی کردند که با ترور شخصیت او ایده‌های او را از سر راه بردارند.»

احمد شاملو در حاشیه موضوع سفرانی خود، مطالبی نیز ایراد کرده که لازم است بدان پرداخته شود: پس از سفرانی هفتم آوریل، در جلسه پرسش و پاسخ، شاملو در جواب پرسشی که از او در رابطه با موسیقی سنتی ایران شده بود سخنانی گفته، که به لحاظ شکل و چه از نظر محتوای آنها، مورد اعتراض موسیقی دانان و علاقه‌مندان موسیقی سنتی ایران قرار گرفته است.

از جمله کسانی که به گفته‌های شاملو در این زمینه اعتراض کرده‌اند، آهنگساز و نوازنده سرشناس تار و سه‌تار، محمدرضا لطفی است. از آنجا که به نظر نگارنده، شیوه برخورد آقای لطفی با این مسئله، مستدل و کارشناسانه است، و نیز از آنجا که امروز بحث بر سر تحول موسیقی سنتی ایران به طور جدی مطرح است، همین مقاله‌ای که با امضای ایشان در شماره ۵۲ ماهنامه پُر از انتشارات بنیاد فرهنگی پُر درج گردیده است، ارائه می‌شود.



زهر درد

محمد رضا لطفی

«موسیقی سنتی ایران پیشرفتی نکرده، پیش درآمدی اجرا می‌شود، یک نفر می‌آید عرو می‌کند و آخرش هم رنگی می‌زنند و تمام می‌شود.»

از سخنان شاعر نامی معاصر ایران، احمد شاملو در جلسه پرسش و پاسخی در دانشگاه برکلی - کالیفرنیا

نتوان برایش چه از نظر جغرافیایی و چه از نظر فرهنگی زادگاهی یافت چه می‌توان نامید. در عین حال جالب است که آقای شاملو از زمره هنرمندانی نیست که برایش فرقی نکند در کجا زندگی می‌کند. او زمانی گفته بود «من اینجا هستم، چراغ در این خانه می‌سوزد، آیم در این کوزه ایاز می‌خورد و نانم در این سفره است. این جا به من با زبان خودم سلام می‌کنند و من ناگزیر نیستم در جوابشان «بن‌ژور» و «گود مرنینگ» بگویم.» در این صورت برآستی جای شگفتی است. این سخنان را باید باور داشت و یا آن بیگانگی و سخنان نفرت‌بار نیست به موسیقی سنتی را؟ آن‌هم در زمانی که موسیقی سنتی ایران - که در صد سال اخیر زیر و رو شده - در حال تحول عظیمی است. نظر حقارت آمیز آقای شاملو به موسیقی

سنتی و ملی ما را بیاد استاد علیقلی وزیری می‌اندازد. طی مصاحبه‌ای، نگارنده از استاد وزیری پرسیدم «نظراتان درباره موسیقیهای خراسان و نقاط دیگری از ایران که از یک بعد غنی و سرشار برخوردارند چیست؟» ایشان بدون تأمل پاسخ دادند «این موسیقیها (پری میتیف) (ابتدایی) است.» شاید از دید آقای شاملو نیز چنین باشد. در این صورت فردوسی و حافظ و سعدی و مولوی، که اشعارشان در رابطه تنگاتنگ با این موسیقی به کمال رسیده است، و نه تنها آن را به گوش جان می‌شنیدند بلکه سراسر اشعارشان سرشار از نامهای سازها و گوشه‌های موسیقی ماست، از نظر آقای شاملو عقب افتاده‌اند.

متأسفانه از شاعرانی که در برتر زمانی میان سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ رشد کرده‌اند، تنها نسی چند مانند اخوان ثالث، فریدون مشیری، هوشنگ ابتهاج و مهرداد اوستا به موسیقی ایرانی عشق می‌ورزند و آن را خوب می‌شناسند، و بسیاری دیگر از آن‌ها بی‌بهره مانده‌اند. مسلماً هیچ سراینده‌ای موظف نیست که با ظریف موسیقی آشنایی یابد، ولی موظف است در زمینه آنچه صلاحیت اظهار نظر ندارد ساکت بماند و از توهین و بی‌پروایی نسبت به آنچه مورد احترام همگان است دوری گزیند.

رود و راهی به توده‌های میلیونی پیدا کند. در این مرحله کاربرد شعر نیمایی بیشتر در زمینه‌های اجتماعی - سیاسی بود، ولی با این همه رابطه آن با شعر کلاسیک ایران نگسته بود زیرا آنچه بر آن «اوزان نیمایی» نام نهادند ریشه در سنت داشت. بیشتر اشعار آقای شاملو قبل از سال ۳۲ و حتی چند سالی پس از آن این گفته را تأیید می‌کند، چون عمیقاً زیر تأثیر اوزان نیمایی است. اما تفاوت عمده‌ای که موسیقی کلام او را از سروده‌های نیمایی جدا می‌کند تأثیر موسیقی غربی بر یافت کلمات شعراست. شاملو خود در مصاحبه‌ای تقریباً چنین می‌گوید که من هنگامی شعر گفتن را آغاز کردم که شعر کلاسیک ایرانی را نمی‌شناختم و بیشتر با اشعار اروپایی آشنا بودم. بعدها به مطالعه شعر کلاسیک پرداختم.

با وجود تفاوت زیادی که میان موسیقی اشعار نیمایی و شاملو وجود دارد - تفاوتی که برای آهنگسازان مدرن موسیقی سنتی کاملاً مشهود است - می‌توان پاره‌ای از اشعار شاملو را که در آنها از اوزان نیمایی بهره گرفته شده، در موسیقی ایرانی پیاده کرد. اما با تغییر فضای سیاسی و نزدیکی بیشتر ایران با غرب، شاعرانی همچون احمد شاملو چارچوب اوزان نیمایی را رها کردند و در جست خود را در چارچوب شعر اروپایی و امریکایی لاتین قرار دادند. از این نقطه اشعار آنان دیگر فراز و فرود زبان موسیقی فارسی را از دست داد. لژ این مرحله، ترجمه آثار شاعرانی چون گارسیا لورکا بوسیله شاملو، آن‌چنان بر تار و پود وجود او چیره می‌شود، که در بسیاری موارد تشخیص سروده‌های خود او با ترجمه‌هایش از آثار لورکا بسیار دشوار است.

نگارنده بارها و بارها برای استفاده از شعر ایشان کوشیده‌ام، اما موسیقی کلام آن، چنان از پستی و بلندی زبان فارسی و موسیقی نهفته در آن بدور افتاده که یافتن ضرب مناسب موسیقی در آن غیر ممکن است. شاید به همین دلیل است که نوازندگان موسیقی پاپ بیشتر از شعر او استفاده می‌کنند.

اما نکته در این است که هنری را که

سروده‌هایش را از دیگران جدا می‌کند استفاده گسترده از موسیقی کلام است. نیاز سماع به همراهی موسیقی، مولانا با بر آن داشت که بعد موسیقایی اشعار را تا حد ایده‌آل بالا ببرد. استفاده موسیقیدانان از شعر و بخصوص بکار گرفتن استادانه اشعار بوسیله خوانندگان - که آقای شاملو از عرو و آنان سخن می‌گوید - موجب شد تا مفاهیم فلسفی و عرفانی و تشبیهات و کنایات شاعرانه در میان مردم رسوخ یابد و نفوذ کند. از آنجا که در طول تاریخ ما توده مردم ما از خوانندگی نوشتن بهره‌ای نداشتند، تنها شنیدن پیام شاعران در قالبهای موسیقی بوده است که موجب ایجاد رابطه میان شاعران و مردم گشته است. امروزه نیز هنوز این سنت یکی از نیرومندترین عناصر هنری ماست.

اما این که چگونه این سنت، با همه کاربرد مطلوبش، در رابطه با شاعران نوپرداز نتوانسته جایگاه مطلوب خود را بیابد و با آن درآمیزد، و تنها در مورد معدودی از شاعران معاصر اندک سامانی یافته است، پرسشی درخور توجهی است. تلاش برای یافتن پاسخی در این زمینه احیاناً می‌تواند جستجوی حلقه مفقوده‌ای باشد، و این همان چیزی است که می‌تواند در نهایت آقای شاملو هم اندیشانش را وادار به تفکر و تعمق بیشتری کند.

می‌دانیم که شعر نو بوسیله نیمایی و شیخ صورتبندی هنری پیدا کرد. و بوسیله شاگرد پیش یا بهتر بگوییم پیروانش، تنویر یافت. در ابتدای امر که نیما یوشیج قالبهای کلاسیک را برای بیان مفاهیم اجتماعی عصر خود تنگ و دست و پاگیر شناخت و رسالت شکن آنها را بر عهده گرفت، عنصر اصلی و موسیقایی شریعتی وزن را همچنان حفظ کرد. بدین ترتیب موسیقی کلام و وزن همچنان ارزشها و پیوندهای سنتی خود را حفظ کردند و بر این پایه بود که در آن زمان توانست بر توده‌های مردم تأثیر بگذارد. کشش احزاب سوسیالیستی برای بهره‌گیری از این بستر هنری برای طرح مسائل اجتماعی شرایط نسل مساعدی برای رشد شعر نو فراهم آورد. اما اشکال کار در این جا بود که هیچ گاه شعر نو نتوانست از دایره محدود روشنفکری خود فراتر

هنگامی که شنیدم احمد شاملو هنرمند معاصر ایران به آمریکا خواهد آمد، خوشحال شدم. دوستانم نیز خواستند برای دیدارش به سانفرانسیسکو بروم. اما متأسفانه همزمانی برنامه ایشان با برنامه‌های از پیش تعیین شده من موجب شد تا این موقعیت خوب را از دست بدهم. پس از پایان کنفرانسی که ایشان در آن شرکت داشتند مطلع شدم که ایشان در پاسخ پرسش کنشده‌ای در مورد موسیقی سنتی ایران سخنانی تاسف‌ناپذیر و بی ادبانه بر زبان آورده‌اند که جای تأسف است. این پاسخ و همچنین مصاحبه‌ای از ایشان در مجله آدینه چاپ تهران، مرا بر آن داشت تا در این زمینه نکاتی لازم را به گفتگو بگذارم، تا آقای شاملو متوجه شوند در امری که تخصص و مطالبه‌ای ندارند حرف غیر مسؤولانه نزنند و یا اگر می‌خواهند چیزی بگویند، به احترام موسیقی و موسیقیدانان از کلمات شاعرانه‌تری برای بیان مفاهیم ذهنیشان استفاده کنند، و مردم ما بدانند که شاعر توانایان ادب و نزاکت را مراعات می‌کند و هنوز در میان ما آیین مهر نمرده است.

از روزگاران بسیار قدیم رابطه شعر و موسیقی آن‌چنان به هم آمیخته بوده است که امروزه در تحقیقات «آنتیوموزیکولوژی» یا موسیقی شناسی اقوام و ملتها، این دو عنصر را زیر عنوان «اصل موسیقایی» در حالت ادغام شده آن بصورت یک واحد فرهنگی نظم بندی می‌کنند. این شکل ترکیبی یکی از اصول قدیمی موسیقی یونان و ایران باستان بوده است و هنوز به گونه‌های مختلف در پاره‌ای کشورهای آسیایی بکار گرفته می‌شود.

شعر و موسیقی بویژه در شرق آن‌چنان درهم تنیده شده است که تفکیک آن کاری بس دشوار است. گذشته از «خسروانی» های باربد که در قالبهای هجایی سه پاره سروده و نواخته می‌شده، و باز گذشته از سراینده‌گانی چون رودکی، شاعران نامداری همچون حافظ و مولوی آن‌چنان عنصر بوی موسیقی را در درون اوزان شعریشان نشانده‌اند که بسیاری از صاحبزنان را بر این اندیشه و می‌دارد که آنان نه تنها شاعر بلکه موسیقیدان نیز بوده‌اند. یکی از ویژگیهای شعر مولانا که

کرده‌اند که بچه‌های امام می‌گذارند که آنها هر قطعی که خواستند انجام دهند؟» (هادی نقاری در جلسه ۱۱ اردیبهشت مجلس)

روز پنجشنبه هفته گذشته روزنامه اطلاعات اقدام به درج مقاله‌ای تحت عنوان «مذاکره مستقیم» نمود. این مقاله دارای مضامینی به شدت ضد انقلابی‌تر و ضد خط امامی‌تر از مقاله سعیدی سیرجانی است... نویسنده این مقاله روی همه لیبرالها و ضد انقلابیون و اخورده وطنی را سفید می‌کند. این ذلت‌نامه هر چند در نوع خود بی‌نظیر و برای همه غیر منتظره و به شدت ناراحت کننده بود ولی چندان بی سابقه هم نیست... این مقاله نه از یک نویسنده طاقتی منزوی، بلکه به

هنوایی که باشد به لطف خداوند خفه خواهیم نمود» (انجمن اسلامی دانشگاه تهران)

این مقال حلقه زنجیره یک پیروزی انقلاب همچون آفتی در نظام نفوذ کرده است... و ملت ایران زمره شوم و مشمژکننده آن را... (جمله فعل ندارد) درج اینگونه مطالب لکه تنگی است... که با آب زمزم هم پاک نمی‌شود و امت و امام (ره) این جریان فکری را نمی‌بخشد و از نظر مردم فاقد اعتبار است ولو توبه کند» (محتشمی، کیان ۹ اردیبهشت)

نغمه شوم مذاکره مستقیم با آمریکا... فاجعه بزرگی است که در جهت هموار ساختن زمینه سازش با آمریکا سر داده می‌شود... آیا بعضی‌ها خیال

طهارت می‌شناسم و مطمئنم جز دلسوزی و خیر خواهی نظری نداشته‌اید. شما همچنان برادر خوب من هستید و حداکثر آنست که به توصیه شما در مقاله «مذاکره مستقیم» عمل نخواهیم کرد»

متقابلاً، مهاجرانی نامه تشکر آمیزی به خامنه‌ای نوشت و بدون کوچکترین اشاره‌ای به موضوع کشمکش‌ها، مراتب «ارادت و احترام» خود را به رهبر رژیم اعلام داشت.

وضع گیری ملایم خامنه‌ای علیه نظرات مهاجرانی و متعاقباً دلجویی از او، به حملات شدید علیه معاون رفسنجانی خاتمه داد. واکنش‌های تند علیه مهاجرانی از این قبیل بود: «این زمره‌های شوم و وابسته را از مردمانی و از پشت هر

سامی دیویس در گذشت

صبح روز چهارشنبه ۱۶ ماه مه، سامی دیویس، در بوری هیلز، در بازی مرگ و زندگی، مغلوب سرطان شد و دیده بر جهان فرو بست. وی که هنگام مرگ ۶۴ سال داشت، هم هنری بود را از سه سالگی آغاز نموده بود. سامی دیویس در هنگام مرگ تنها ۳۷ کیلو وزن داشت.

هنرمند شهیر سیاه‌پوست با یک چشم شیشه‌ای و بینی شکسته (نتیجه درگیری‌های متعدد با سربازان سفیدپوست) به مدت ۶ دهه بر صحنه هادر خشید.



۳- اروپا و مردم آلمان در جهان نو شونده

هدف ما، یک اروپای متحد و غیر نظامی همراه با تنوع ملی، اجتماعی، فرهنگی و منطقه‌ای است. اگر بخواهیم ثبات این قاره، چشم‌انداز صلح و همکاری در آن، منافع ملت‌ها و دولت‌ها در اروپا و خارج آن و منافع ملی مردم آلمان در هر دو دولت آلمانی مورد تعدید قرار نگیرد، باید محل مسئله آلمان در چارچوب یک روند سراسری اروپایی در خدمت چنین روندی باشد و در برابر آن مانع قرار ندهد.

ح. س. د. خواهان وحدت مسالمت‌آمیز و دموکراتیک خلق آلمان در چارچوب اتحاد آزادانه و برابر حقوق خلق‌ها و ملت‌های اروپاست. درباره ساختار دولتی آینده آلمان واحد، باید از طریق تعیین سرنواخت مردم آلمان توسط خود آنها، مذاکرات برابر حقوق میان دو دولت، حفظ حقوق و مسئولیت‌های چهار قدرت پیروز در جنگ جهانی دوم، اطمینان همسایگان آلمان، به ویژه لهستان و چکسلواکی، از مرزهای پایدار و نیز در رابطه با وحدت اروپا، تصمیم‌گیری شود.

تفاوت‌های همیق اجتماعی و اقتصادی، دو طرف را در برابر ضروریات متفاوتی در زمینه سیاست وحدت، در زمینه برقراری اتحاد پولی، اقتصادی و اجتماعی و انطباق یافتن سیستم‌های حقوقی قرار می‌دهد. این تفاوت‌ها می‌طلبد که هر دولت، حاکمیت مستقل خود را فعلاً نه نمایندگی کند تا ارزش‌های هر دو طرف بتوانند در وحدت‌نویین بازتاب یابند. هرگونه دامن زدن به احساسات ملی، تکرورهای خود محورانه مردم آلمان و یا شوونیسم جدید آلمانی، متضمن خطرات غیر قابل کنترلی نه تنها برای مردم ما، که برای همه خلق‌های اروپا و جهان است...

هر دو دولت باید تغییر یابند

در ج. د. آ. باید گسست از نوع اداری-متمرکز سوسیالیسم تا به آخر ادامه یابد و منجر به شکل‌گیری یک دموکراسی واقعی شهروندان، اختلاقیات نوین انسان‌دوستانه و آنگونه اقتصاد بازار شود که نسبه به منافع اجتماعی و اکولوژیک مردم متعده باشد و نخست از یک دوره نزولی توأم با فقیر شدن بسیاری از مردم، نگذرد. جمهوری فدرال آلمان نباید نظام سیاسی و پارلمانی کنونی خود را به ج. د. آ. تمهیل کند. هوالی که در آلمان غربی به ضرر وحدت ملت آلمان و زندگی مسالمت‌آمیز مشترک با همسایگان در خانه مشترک اروپایی تأثیر می‌گذارد، از این قرارند: مجتمع‌های نیرومند نظامی-صنعتی، زندگی از قبل خلق‌های کشورهای رشد یافته، انزوای اجتماعی بخش‌های عمده‌ای از مردم، بیکاری، عقب‌نشینی در برابر افراطی‌گری راست، ناسیونالیسم و هدم تحمل ملی و هدم شناسایی خط‌اودر سنایسه بعنوان مرز غربی لهستان.

... اموالی که مردم ج. د. آ. طی دهه سال کار بدست آورده‌اند، و نیز حقوق بهره‌برداری از اموال که به آنها واگذار شده است، باید از تعرض مصون باشد. بعنوان نمونه، باید در وحدت دو دولت آلمان، اصلاحات ارضی و نتایج آن و بدین ترتیب مناسبات حقوقی در روستاها و حقوق مالکیت ارگانهای محلی دولتی بر اراضی مصادره شده و واحدهای مسکونی به رسمیت شناخته شود. باید صرف‌نظر از مناسبات قبلی مالکیت، اعتبار قراردادهای استفاده و اجاره و نیز مناسبات موجود مالکیت در کارخانه‌ها تضمین شود...

ح. س. د. وظیفه ویژه خود می‌داند که به مثابه بخشی از چپ اروپایی عمل کند، با همه نیروهای چپ روابط تنگاتنگ برقرار سازد و از این طریق به روندهای ترقی‌خواهانه در اروپایاری رساند...

ما اتحاد ج. د. آ. و اتحاد شوروی را شرط تعیین کننده‌ای برای موجودیت و رشد ج. د. آ. و هوالی در جهت ثبات اروپا طی دوره متحول کنونی می‌دانیم. ما بر همبستگی و حمایت خود از نوسازی مترقی و دموکراتیک جوامع اتحاد شوروی و سایر کشورها تاکید می‌کنیم. مناسبات تنگاتنگ و دوستانه میان حزب کمونیست اتحاد شوروی و ح. س. د. در خدمت این هدف است...

★ ★

این برنامه در تاریخ ۲۵ تیر ۱۹۹۰ تصویب شده است.

ضرورت‌های بسیار مبرم عدالت اجتماعی اند. حق کار طبق قانون اساسی باید به ویژه زنان را مورد حمایت قرار دهد. برای کار مساوی، باید مزد مساوی پرداخت گردد...

۱۰ - حمایت و کمک به اقلیت‌های ملی، فرهنگی و مذهبی به مثابه بخش تفکیک ناپذیر حقوق بشر و حقوق شهروندان...

۱۱ - حمایت و کمک به فعالیت کلیسا و جوامع مذهبی، برابر حقوقی کامل مذاهب و آزادی پیروی از آنها بر مبنای جدایی دولت و کلیسا. ما از ورای مواضع و سنت‌های متفاوت ایدئولوژیک، با روح چندگرایی و تحمل، بدنبال تحقق مسئولیت مشترک با کلیسا و مومنان در قبال صلح، امنیت اجتماعی و حفظ محیط زیست طبیعی هستیم.

۱۲ - روابط احترام‌آمیز و مبتنی بر همبستگی با شهروندان خارجی. همکاری شهروندان خارجی که در کشور ما زندگی و کار می‌کنند مستلزم احترام متقابل و تعاون اجتماعی است و امکان شنی‌سازی متقابل فرهنگی را فراهم می‌آورد. حزب، به روشنی با اجنبی ستیزی خلط و مرز می‌کشد و خواهان آنگونه روابطی با شهروندان خارجی است که مانع تبعیض اجتماعی و فرهنگی و انزوای آنها شود و امکان ادا مقام اجتماعی را فراهم آورد.

دولت مبتنی بر قانون و تفکیک قوا

دموکراسی برای ما هدفی بنیادی، ارزشی مستقل و شرط اجتناب‌ناپذیر برای اداره جامعه است. هدف ما، کیفیت عالی‌تری از دموکراسی است که در آن، دموکراسی پارلمانی، دموکراسی اقتصادی و نیز خودگردانی محلی، پیوند تنگاتنگ یابند. ما مخالف هر شکلی از دولت و دستگاه مراقبت و سرکوب هستیم. ما می‌خواهیم به ساختمان یک دولت دموکراتیک مبتنی بر قانون کمک کنیم. دولتی که بر حقوق بنیادین همه جانبه، تصریح شده در قانون و قابل پیگیری در محاکم، برای شهروندان استوار باشد. هر شهروند باید اجازه هر کاری را که قانون منع نکند داشته باشد. در مقابل، دولت تنها مجاز به انجام اقداماتی است که قانون مقرر می‌دارد.

خواستهای مادر این هر سه از این قرار است:

- حاکمیت مردم، دموکراسی همه جانبه و دولت

مدن مبتنی بر قانون،

- اختیارات نامحدود برای ارگانهای منتخب مردم که به مثابه عالی‌ترین نهادهای قدرت، از انتخابات همومی، آزاد، برابر، مستقیم و مخفی برآمده باشند. مسائل دارای اهمیت حیاتی برای مردم باید به رای همه مردم گذاشته شوند. اکثریت تشکیل دهنده دولت و اپوزیسیون، اجزای مکمل دموکراسی پارلمانی اند. اقلیتهای سیاسی باید بتوانند از منافع خود دفاع کنند.

- تفکیک قوای مقننه، مجریه و قضاییه. ما خواهان به رسمیت شناختن "قوه چهارم"، یعنی افکار همومی و رسانه‌های گروهی هستیم. هلیت، شامل هلیت همه روندهای مهم تصمیم‌گیری‌های دولتی و اجتماعی و اشکال متنوع کنترل اجتماعی است.

- پلورالیسم سیاسی احزاب، سازمانها، اتحادیه‌ها و جنبش‌ها و تأمین تأثیر گذاری آنها بر روندهای تصمیم‌گیری دولتی.

- خودگردانی محلی و خودمختاری در تقسیم بندی‌های منطقه‌ای به مثابه پایه جامعه دموکراتیک؛ - شکلی از دستگاه اداری که با احیای مجدد ساختارهای ایالتی همراه باشد تا تقویت خودمختاری، هدم تمرکز و کار پرراندان این دستگاه‌ها و نیز احساس یگانگی مردم با واقعیات منطقه‌ای که در طول تاریخ شکل گرفته‌اند، تحقق یابد؛

- اشکال متنوع اعمال اراده دموکراتیک و مشارکت دموکراتیک از پایین به بالا، که باید در اقتصاد، دولت و جامعه، از انحصار قدرت جلوگیری کند؛

- ممنوعیت نفوایشیسم، نژادپرستی، سامی ستیزی، شوونیسم و تبلیغ برای جنگ؛

- چشم‌پوشی از اعمال قهر در مبارزه سیاسی. انحصار دولتی در کاربرد قهر باید مشمول مقررات قانونی شود و تحت کنترل دموکراتیک قرار گیرد؛

- بحث متمدانه و سازنده سیاسی که به پیشرفت اجتماعی کمک کند. ما با آنگونه تفکر درباره رقابت سیاسی که در جهت حذف دگراندیشان باشد، مخالفیم؛

- حفظ خودگردانی پایه‌ای دموکراتیک و جنبش‌های توده‌ای و تصریح حق موجودیت آنها در قانون اساسی...

توضیح:

در شماره ۳۰۳ نشریه اکثریت در ستون "از میان نامه‌ها" که به درج نامه‌های رسیده اختصاص دارد بخشی از یک نامه دریافتی با امضا پروا درج شده بود که اخباری از ایران و شهر هامبورگ آلمان فدرال را شامل می‌شد. انتشارات پروا در شهر هامبورگ با نشریه تماس گرفته و از ما خواسته است قید کنیم نامه مذکور توسط این انتشارات برای "اکثریت" سال نشده است.

از برنامه

"حزب سوسیالیسم دموکراتیک" (آلمان شرقی)

تحت عنوان "راههای پیشرفت در جامعه ما" آغاز می‌شود. برخی جزئیات برنامه حذف شده است تا حجم آن اجازه انتشار در "اکثریت" را ندهد.

در شماره گذشته، بخش نخست برنامه "حزب سوسیالیسم دموکراتیک" آلمان شرقی را که از تغییر نام و ایجاد تحول در حزب حاکم پیشین این کشور تشکیل شد، درج کردیم. ادامه برنامه با فصل دوم

۲- راههای پیشرفت در جامعه ما

اقتصاد بازار و آرمانهای اجتماعی

حزب سوسیالیسم دموکراتیک از اقتصاد بازار جانبداری می‌کند زیرا اینگونه اقتصاد امکان پیشرفت سریع هلی سنی و بازدهی بالای اقتصادی را فراهم می‌آورد. از این رو، اقتصاد بازار، ابزار تعیین کننده در تشویق بازده بالا، ارضای موثر نیازهای تولید کنندگان و مصرف کنندگان و برآوردن ضرورت‌های فزاینده اجتماعی است. بدین مفهوم، اقتصاد بازاری که متوجه تأمین رفاه جامعه و هر فرد باشد، با نظام ارزشهای سوسیالیستی در تضاد نیست. اقتصاد بازار، باید اقتصادی دارای هدفمندی مشخص اجتماعی و اکولوژیک، تشویق کننده و پاداش دهنده کار و یاری رسان به ابتکار اقتصادی از هر طریق باشد. تنظیم بازار باید به سود رفاه جامعه و نسل‌های آتی، با هدایت استراتژیک اقتصاد توسط دولت تکمیل گردد. کل این روند باید تحت کنترل دموکراتیک افکار همومی قرار گیرد.

ما به عنوان حزبی که نسبت به امنیت اجتماعی و به ویژه منافع زحمتکشان احساس تعهد می‌کند، خواهان آنچنان طرحی برای اقتصاد بازار هستیم که: - نتایج کار دهه‌ها ساله مردم ما را بر باد ندهد و در آن، مالکیت اجتماعی نیز و نه همی به حساب آید؛ - اشکال متنوع مالکیت بر ابزار تولید را تحقق ببخشد و به آنها امکانات برابر در مسابقه بدهد؛

- به هر فرد امکان دهد سطح زندگی خود و نیز موقعیت حرفه‌ای و اجتماعی خویش را از طریق کار، خود تعیین کند؛

- در آن، حق کار، مصرح در قانون اساسی، تأمین شود؛

- نسبت به شیوه تولید و زندگی غیر ممل محیط زیست متعده باشد و هدف نوسازی اکولوژیک جامعه را فراروی خود قرار دهد.

ما خواهان آن هستیم که مالکیت دولتی موجود از طریق کنترل واقعی تولید کنندگان بر ابزار و حاصل تولید، به مالکیت واقعا مردمی تبدیل شود.

کارکنان باید از طریق سهم شدن در سود و سایر طرق، در ثمرات اقتصادی موسسات دینفع گردند.

حزب، خواهان گشایش اقتصاد جمهوری دموکراتیک آلمان (ج. د. آ.) به روی اقتصاد جهانی و برابر حقوقی در همکاری اقتصادی بین‌المللی است. ما از یک حوزه واحد اقتصادی در اروپا و نوسازی بنیادین و دموکراتیزه کردن شورای همیاری اقتصادی (کمون) جانبداری می‌کنیم.

دموکراسی در تولید

به مثابه وزنه ایجادکننده تعادل

دموکراتیک کردن اقتصاد بازار، مستلزم دفاع مستقل زحمتکشان از منافع اجتماعی و اقتصادی خود از طریق اتحادیه‌های آزاد، مستقل و نیرومند است که باید در موسسات و کارگاه‌های همه اشکال مالکیت، پایگاه داشته باشند. دموکراتیزه کردن همه جانبه جامعه دموکراسی واقعی در تولید را ضروری می‌سازد.

حزب، خواهان آن است که نمایندگان کارکنان در امور کارگاه‌ها، در امور اقتصادی و اجتماعی از طریق انتخاب آزاد و دموکراتیک برگزیده شوند. حزب، از تشکیل ارگانهای دموکراتیک نمایندگان کارکنان و کارفرمایان در موسساتی که با سرمایه خارجی اداره می‌شوند، جانبداری می‌کند. این شوراهای نظارت، باید از نمایندگان منتخب زحمتکشان، مدیران، سرمایه‌گذاران و نیز نمایندگان محلی دولتی و کارشناسان تشکیل شوند و نفوذ کارکنان در تصمیمات استراتژیک را تأمین نمایند.

زحمتکشان و همه شهروندان کشور ما باید در تصمیم‌گیری پیرامون همه مسائل سیاست اجتماعی و رفاهی مشارکت واقعی داشته باشند.

در شرایط اقتصاد بازار، باید شبکه تأمین حقوقی و اجتماعی گسترش یابد. از این طریق باید برای بازنشستگان و نیز کسانی که به هلت کبر سن، نقص



ناشی از انتخابات عمومی، شوراهای
بمنابه تنها نمایندگی واقعی توده
کارگران قرار داده اند. اما با تحت
فشار قرار دادن زندگی سیاسی در
مجموع کشور، حیات شوراهای نیز
لاجرم هر چه بیشتر فلج خواهد
شد. بدون انتخابات عمومی،
آزادی مطبوعات و تجمعات،
آزادی نبرد عقاید زنده در هر نهاد
عمومی خواهد مرد و به شبه
زندگی بدل خواهد شد که در آن
فقط بوروکراسی عنصر فعال باقی
خواهد ماند. زندگی هلنی بتدریج
به خواب می رود، مستی رهبران
حزبی با انرژی خستگی ناپذیر و
آرمانگرایی
دستور العمل صادر کرده و
حکومت می کنند. زیر نظر آن ها
در واقع یک دوجین مغزهای هالی
اداره گونه و دسته قلیلی از
کارگران گاه به گاه به اجتماعاتی
فراخوانده می شوند تا برای
سخنان رهبران دست بزنند و
قطعه نامه های از پیش تعیین شده
را به اتفاق آرا تصویب کنند. در
واقع یک اقتصاد کلان و البته یک
دیکتاتوری، اما نه دیکتاتوری تعداد
قلیلی سیاستمدار، یعنی
دیکتاتوری ای مطابق روحیه
کاملاً بورژوازی و حکومت
ژانکوبنی. از آنهم بدتر: چنین
شرایطی جبراً منجر به توحش در
جامعه خواهد شد؛ سوء قصد،
تیرباران گروگان ها و غیره. این
یک قانون هینی قدر قدرتی است
که هیچ حزبی قادر به گریز از آن
نیست.

اشتباه اساسی تئوری
تروتسکی - لنین آن است که
درست به مانند کائوتسکی
دیکتاتوری را در مقابل
دموکراسی می نهند. چه در نزد
بلشویک ها و چه در نزد کائوتسکی
سوال عبارت است از
«دیکتاتوری یا دموکراسی»؟
کائوتسکی البته دموکراسی،
اما دموکراسی بورژوازی را
انتخاب می کند و آن را بمنابه
الترناتیو انقلاب سوسیالیستی
قرار می دهد. لنین و تروتسکی بر
عکس دیکتاتوری را در تضاد با
دموکراسی و به این ترتیب
دیکتاتوری یک مشت افراد، یعنی
دیکتاتوری بورژوازی را انتخاب
می کنند. آن دو، دو قطب متضاد
هستند که هر دو به یکسان از
سیاست واقعی سوسیالیستی
فاصله دارند. پروتاریا می تواند
باید تدابیر فوری سوسیالیستی در
پرتوان ترین، پی گیرترین و
بی امان ترین شکل اتخاذ نماید،
یعنی اعمال دیکتاتوری کند. اما
دیکتاتوری طبقه، نه دیکتاتوری
یک حزب یا یک کلان. دیکتاتوری
طبقه یعنی در گسترده ترین
هلیت، تحت فعال ترین مشارکت
بدون محدودیت توده های خلق
در یک دموکراسی نامحدود.

تروتسکی می گوید: «اما
به عنوان مارکسیست هرگز
پرستشگران دموکراسی صوری
نبوده ایم.» کاملاً درست است، ما
هرگز پرستشگران دموکراسی
صوری نبوده ایم. اما هرگز
پرستشگران سوسیالیسم یا
مارکسیسم هم نبوده ایم.
تروتسکی و لنین انکار زنده این
مسئله اند. اینکه می گوئیم هرگز
پرستشگر دموکراسی صوری
نبوده ایم به معنای آن است که
همواره هسته اجتماعی
دموکراسی بورژوازی را از شکل
سیاسی آن تمیز می دهیم. اما
همواره هسته تلخ نابرابری
اجتماعی و عدم آزادی را در زیر
پوسته شیرین برابری و آزادی
صوری افشامی کنیم - نه برای آنکه
این نوع آزادی را از بین ببریم بلکه
برای آنکه طبقه کارگر را بر آن
داریم با این پوسته اقناع نشود و

بی امان بود. میراث او چه از سوی مخالفان و چه بعضی
از سوی منتظران وی، از جمله لنین که احترام
همیشگی برای او قائل بوده قابل پذیرش نبود. روزا
چشمه چو شان آزاداندیشی در جنبش کمونیستی بود.
او همیقا معتقد بود که دگراندیشی ایزاری در
جستجوی حقیقت است. روزا اعتقاد راسخ داشت که
فقط توده های فعال و متحرک قادر به بنای جامعه ای
نویین هستند. روزا لوکزامبورگ هوادار یک
سوسیالیسم دمکراتیک بود که در آن سوسیالیسم در
وسیع ترین، بزرگمنشانه ترین و منعطف ترین
منحوم خود درک می شود. در زیر بخشهایی از
دست نوشته های وی را که در سال ۱۹۱۸ در زندان
پیرامون انقلاب روسیه نوشته می خوانید:

تراژدی حقیقی روزا لوکزامبورگ نه در چگونگی
مرگش بلکه در آن نهفته است که او هلیرفم شهرت
بی کرائش ناشناخته ماند. لوکزامبورگ به وسیله
دشمنان خود به قتل رسید اما به وسیله دوستانش به
فراموشی سپرده شد. «دوستانی» که تز
«اقتیادیات لوکزامبورگیانیم» را به میان آوردند.
آنها ظاهر را برای او احترام قائل بوده، سالگردهای او
را پاس داشته و خیابانها و کشتی ها را به نام او
نامگذاری می کردند. اما این نوع از جاودانه
کردن، شخصیت زدایی او را در خود پنهان داشت.
اما میراث ادبی و ایدئولوژیک روزا لوکزامبورگ
از هر چیز مهمتر است. او مباحثه گری قوی و منقدی

دیکتاتوری و دموکراسی

روزا لوکزامبورگ

شکست پروتاریای آلمان و اشغال
روسیه به وسیله امپریالیسم
آلمان است. توقع بی معنایی
خواهد بود اگر از لنین و رفقایش
خواسته شود در چنین شرایطی
زیباترین نمونه ترین دیکتاتوری پروتاریا
و یک اقتصاد سوسیالیستی شکوفا
شعبه کنند.

خطر از آنجا آغاز می شود که
چاره ناپذیری فضیلت شود و
سیاست ناشی از این شرایط
اسفناک را به همه اجزای آن تعمیم
دهند و به پروتاریای بین الملل
به مثابه نمونه سیاست
سوسیالیستی برای تقلید توصیه
نمایند. آن ها در صورتی که
بخواهند تمام کجی هائی را که
تحت شرایط جبر و چاره ناپذیری
در روسیه، که در تحلیل نهائی
انعکاس ورشکستگی انترناسیونال
سوسیالیستی در این جنگ بوده
است، به عنوان احکام نوین ثبت
کنند خدمت بدی به سوسیالیسم
جهانی، که بخاطر آن اینقدر
مبارزه کرده و رنج کشیدند،
کرده اند و به این ترتیب دستاورد
تاریخی واقعی و فیر قابل انکار
خود را کاملاً بی جهت در سایه قرار
داده اند.

با این حال باید در سیاست
بلشویک ها همه را از فیر همه،
هسته را از تضاد تمیز داد. در
این مرحله مبارزه سر نوشت ساز،
حادترین مسئله زمان همانا
توانائی عمل پروتاریا و توده ها و
بطور کلی خواست و اراده
برقراری قدرت سوسیالیستی
است. در این رابطه لنین و
تروتسکی به همراه رفقایان
اولین کسانی بودند که به
پروتاریای جهانی یک نمونه
نشان دادند، آن ها تا امروز هنوز
اولین کسانی هستند که با افتخار
می توانند بگویند: من جرات آن را
داشتم!

این همان مسئله همه و
ماندگار در سیاست بلشویکی
است. این همواره دستاورد
تاریخی جاودان آن ها باقی خواهد
ماند که در پیشاپیش پروتاریای
بین المللی حرکت کرده و مبارزه
میان کار و سرمایه را در همه
جهان قویا به پیش برده اند. مسئله
سوسیالیسم تنها می توانست در
روسیه مطرح شود چرا که
نمی توانست در روسیه حل گردد.
این کار تنها می تواند بطور
بین المللی انجام گیرد.
مترجم: مزدک

کردن، می توان آن تدابیر را تعیین
کرد اما از جنبه مثبت، یعنی
ساختن، نمی توان این کار را
انجام داد.

مجموعه خلق باید در ساختن
سوسیالیسم مشارکت کند. در فیر
این صورت این نظام از پشت میز
مشتی روشنفکر فرماندهی
می شود و تعیین می گردد.
کنترل بوسیله افکار عمومی
ضرورتی حتمی است. در فیر این
صورت تبادل تجارب فقط در
دوایر بسته ماموران حکومت
نویین باقی می ماند. در این حالت
فساد فیر قابل اجتناب است. در
برابر آن تدابیر ترور و جرایم
سخت نیز کاری از پیش نخواهند
برد. برعکس دامنه فساد را باز هم
افزایش خواهند داد. تنها پادزهر
موجود، آرمان گرایی و فعالیت
اجتماعی توده ها و آزادی سیاسی
نامحدود است.

یکی از مهمترین مسائل هر
انقلابی مبارزه علیه لومپن
پروتاریا است. اما در این ارتباط
نیز ترور، یک شمشیر بی رمق و دو
لبه است. دادگاه صراحتی سخت و
سخت در برابر موج اوباشگری
لومپن پروتاریا ناتوان است.
بله، هرگونه سیدات طولانی در
موقعیت جنگی که به محدودیت
آزادیهای سیاسی منجر شود بطور
اجتناب ناپذیر به استبداد منجر
می گردد و هرگونه استبدادی
اثری تباه کننده بر جامعه
می گذارد.

پراتیک سوسیالیسم نیازمند
تحول معنوی تمام هیار
توده ها نیست که تحت سیدات
طبقاتی صد هاساله بورژوازی
تحقیر شده اند. احساسات
اجتماعی بجای احساس
خودخواهی؛ ابتکار توده ای بجای
سکون؛ آرمانگرایی ای که بر همه
رنج ها غلبه می کند و فیر،
هیچکس این را بهتر از لنین
نمی داند، موثرتر از او توصیف
نمی کند و سر سخته تر از او تکرار
نمی نماید. اما اکنون او به وسایل
نادرست متوسل شده است.
فرمان، قدرت دیکتاتور منشانه
ناظر کارخانه، جرایم سخت و
سخت، حکومت وحشت همه
ممکن هستند. تنها راه زایش
دوباره، خود مکتب زندگی هلنی،
وسیعترین دموکراسی نامحدود
و افکار عمومی است. این
حکومت وحشت است که
ناهنجاری ها را پدید می آورد.
اگر همه این ها حذف شود در
واقع چه می ماند؟ لنین و
تروتسکی بجای ارگان های نمایندگی

کارآیی خود را از دست خواهد
داد.

پیش شرط مستور در تئوری
دیکتاتوری لنین و تروتسکی آن
است که انقلاب سوسیالیستی
پدیده ای است که یک
دستور العمل حاضر و آماده برای
آن در جیب حزب انقلابی قرار
دارد و فقط کافی است با قدرت
محقق شود. اما متأسفانه - و یا
خوشبختانه - چنین نیست. تحقق
همی سوسیالیسم بعنوان یک
سیستم اقتصادی - اجتماعی و
حقوقی ابداع نه جمع
دستور العمل های حاضر و آماده
بلکه موضوعی است که کاملاً در
نابیدای آینده قرار دارد. خود
بلشویک ها اگر منصفانه قضاوت
کنند انکار نخواهند کرد که آنها باید
قدم به قدم امتحان، تلاش، تحقیق
و پی در پی آزمایش می کردند و
نیز اینکه بخش قابل توجهی از
تدابیرشان نمایشگر طلای ناب
نبوده است.

آنچه ما در برنامه خود از آن
برخورداریم فقط تعدادی
رهنمود است که تنها جهت را
می نمایند. ما تقریباً میدانیم که
باید در وهله اول کدام مواعع را
برطرف کنیم که جاده را برای
اقتصاد سوسیالیستی هموار کنیم،
اما برعکس برای اتخاذ هزاران
تدبیر مشخص و همی بزرگ و
کوچک در راه برقراری اصول
سوسیالیستی در اقتصاد، حقوق و
همه روابط اجتماعی، هیچ گونه
برنامه حزبی و در سنامه
سوسیالیستی روشنگر وجود
ندارد. این نقص نیست بلکه برعکس
امتیاز سوسیالیسم همی در برابر
سوسیالیسم تخیلی است: نظام
اجتماعی سوسیالیستی فقط
می تواند و باید یک محصول
تاریخی باشد که از مکتب و تجربه
در لحظه تحقق، زاده شود. این
نظام تنها می تواند از تکوین
تاریخ زنده، درست مثل طبیعت
ارگانیکی، که خود در تحلیل نهایی
جزئی از آن است، پدید آید. این
نظام باید درست به مانند
فرایندهای طبیعی به همراه پیدایش
یک نیاز اجتماعی واقعی همواره
وظیفه فراهم آوردن وسایل
برآوردن نیاز مزبور و در همین حال
راه حل را برابر خود نهد.

اما اگر چنین باشد روشن است
که سوسیالیسم بنا بر طبیعت خود
نمی تواند در دستور العمل پدید
آید. این نظام تدابیری جبری علیه
مالکیت و فیر را پیش شرط خود
دارد.
از جنبه منفی، یعنی ویران

اما مسئله به مجمع قانون گذار و
قانون انتخابات ختم نمی شود بلکه
لفظ مهمترین ضمانتهای یک
زندگی سالم هلنی و فعالیت
سیاسی توده های زحمتکش یعنی
آزادی مطبوعات، احزاب و تجمع
نیز در میان است. این یک واقعیت
آشکار و فیر قابل تردید است که
بدون یک مطبوعات آزاد و پلامانع
و بدون حیات احزاب و تجمعات،
سیدات توده های وسیع خلق به
کلی فیر قابل تصور است.
لنین می گوید: «دولت
بورژوازی یک وسیله سرکوب
طبقه کارگر است و دولت
سوسیالیستی وسیله سرکوب
بورژوازی. می توان گفت که
دولت اخیر همان دولت
سرمایه داری است که بر روی سر
ایستاده است.» این درک ساده
شده، یک سری نکات مهم را
نایدیده می گیرد: سیدات طبقاتی
بورژوازی به تعلیم و تربیت
سیاسی مجموعه توده خلق حداقل
فراتر از مرزهای معین و محدود
نیازی ندارد. برای دیکتاتوری
پروتاریا این تعلیم و تربیت یک
عنصر حیاتی است که بدون آن
قادر به زندگی نخواهد بود.
تروتسکی می گوید: «به
لطف مبارزه آشکار و بی واسطه بر
سر قدرت دولتی...»

تروتسکی در این جا نظرات خود
و رفقایاش را آشکارا نقض می کند.
درست به همین خاطر نیز آنها از
طریق تحت فشار قرار دادن
زندگی هلنی، سرچشمه تجربه
سیاسی و پیشرفت را مسدود
کردند. مگر آنکه فرض کنیم که
تجربه و پیشرفت تا تسخیر قدرت
توسط بلشویک ها لازم بوده و
بالا ترین درجه خود را کسب کرده
و از آن پس زائده می باشد.
(سخنرانی لنین: روسیه افتاد
کامل به سوسیالیسم دارد)
در واقع برعکس است! درست
وظایف عظیمی که بلشویک ها با
شجاعت و قاطعیت در برابر خود
گذاشتند نیازمند تربیت سیاسی
شدید توده ها و جمع کردن تجربه
است.

آزادی فقط برای مواداران
حکومت و اعضای حزب - هرچقدر
هم که تعداد کثیری باشند -
آزادی نیست. آزادی همواره به
معنای آزادی دگراندیشان است.
و این نه بخاطر آن است که نسبت
به «عدالت» تعصب بخرج داده
باشیم بلکه برای آنکه هر آنچه که
در آزادی سیاسی جان بخش و
شفادهنده و پدید آورنده پاکیزگی
است به همان، ویژگی بستگی دارد
و اگر «آزادی» به امتیاز بدل شود

نخستین علائم گشایش در آلبانی



دو زن اهل آلبانی سبزی‌هایی را که برای فروش آورده‌اند مخفی می‌کنند. مردم در آلبانی اجازه فروش محصولات کشاورزی را، که خود تولید کرده‌اند، ندارند.

انتخابات در رومانی

در روز یکشنبه ۲۵ ماه مه مردم رومانی برای انتخاب رئیس‌جمهور این کشور به پای صندوق‌های رای رفتند. نتیجه این انتخابات را در شماره آینده گزارش خواهیم کرد. یون ایلیسکو، رئیس شورای موقت "جبهه رهایی‌بخش ملی" که با سرنگونی چائوشسکو قدرت را در

این کشور به دست گرفت، محتمل‌ترین برنده انتخابات محسوب می‌شود. در آستانه انتخابات، رومانی شاهد تظاهرات گسترده مخالفان دولت موقت بود. آن‌ها به مدت چندین هفته، میدانی در برابر دانشگاه بوخارست را در اشغال خود داشتند. چند نوبت تلاش برای انجام مذاکراتی میان نمایندگان شرکت‌کنندگان در تظاهرات به همت همد توافق در مورد شرایط جانبی این گفتگوها نافر جام ماند.

کوئولو و سارگین آزاد شدند

در هفته گذشته خبر یافتیم که رفقا حیدر کوئولو و نیات سارگین رهبران حزب کمونیست متحد ترکیه که بیش از دو سال در زندانهای رژیم ترکیه بسر می‌بردند طی حکمی از سوی دادگاه امنیت دولتی آزاد شده‌اند.

خاطر نشان می‌شود دستگیری کوئولو و سارگین در ماه نوامبر سال ۸۷ پس از بازگشت داوطلبانه آنان به میهنشان برای شرکت در بازسازی دموکراتیک حیات سیاسی ترکیه و قانونی ساختن فعالیت حزب صورت گرفت و از آن زمان تاکنون آنان زیر شدیدترین فشارهای روحی و جسمی رژیم ترکیه قرار داشته‌اند.

مخالفان، دولت موقت را متهم به ایجاد شرایط نابرابر برای رقابتی انتخاباتی می‌کنند. افراطی‌ترین جناح‌های اپوزیسیون خواستار منوحت حزب شرکت اعضای سابق حزب کمونیست رومانی، از جمله ایلیسکو، در انتخابات شدند. در شهرهای مختلف، درگیری‌هایی میان طرفداران دولت و اپوزیسیون رخ داد. در اپوزیسیون، تحریم انتخابات مورد بحث قرار داشت.

تصمیم به آزادی رهبران حزب کمونیست ترکیه که در زیر فشار محافل دموکراتیک و مترقی این کشور و جهان صورت گرفت، پس از سی‌ودومین نشست دادگاه امنیت دولتی ترکیه به اطلاع افکار عمومی رسید.

هیات رئیسه این دادگاه همت اتخاذ تصمیم را در دستور بحث بودن منع مجازات بخاطر اعتقادات سیاسی و نیز برخورد مثبت احزابی که در مجلس ملی اعظم ترکیه نماینده دارند، عنوان کرد.

از زمان دستگیری رهبران حزب کمونیست متحد ترکیه تاکنون، بسیاری از نیروها و سازمانهای سیاسی این کشور خواهان آزادی این دوتن و لغو سریع آن ماده‌ای از قانون جزائی ترکیه شده‌اند که فعالیت و تبلیغ کمونیستی را ممنوع اعلام کرده است.



به دهوت چندگروه چپ، هزاران تن طی تظاهراتی در فرانکفورت خواستار توقف روند وحدت دو آلمان شدند. این تظاهرات با درگیری شرکت‌کنندگان با پلیس به خشونت گرائید. تصاویر صحنه‌هایی از این درگیری‌ها را نشان می‌دهند.

پراگ: تظاهرات علیه حزب کمونیست

مصادره و آرشو حزب منتشر شود.

واسلا هاول، رئیس‌جمهور چکسلواکی در شامگاه ۱۱ مه با حضور در محل اکتساب غذا، با خواست‌های شرکت‌کنندگان در آن اعلام همبستگی کرد. طبق نظرخواهی‌هایی که در آستانه انتخابات پارلمانی چکسلواکی انجام گرفته است، حزب کمونیست در این انتخابات به ۱۵ الی ۱۲ درصد آرا دست خواهد یافت. "مجمع شهروندان"، که توسط هاول، رئیس‌جمهور فعلی بنیانگذاری شده است، ۲۲ درصد آرا و ائتلاف دمکرات مسیحی ۱۵ درصد آرا را کسب خواهند کرد.

ممنوعیت شرکت آن در انتخابات ۸ ژوئن شدند. از دیگر خواست‌های تظاهرات، پیگرد مسئولان سرکوب طی چهل سال حکومت حزب کمونیست بود. فراخوان به تظاهرات از سوی "جمعیت زندانیان سیاسی"، "کلوپ غیر حزبی‌های فعال"، و "بلوک آزاد"، ائتلافی از احزاب راست‌گرا، صورت گرفت. تظاهرکنندگان از اکتساب غذای ۲۵ نفر در میدان مرکزی پراگ که از ششم ماه مه آغاز شد، حمایت کردند. این ۲۵ نفر خواستار آن شده‌اند که اموال حزب کمونیست چکسلواکی

در روز ۱۲ ماه مه، ده‌هزار نفر در تظاهراتی در پراگ علیه حزب کمونیست چکسلواکی شرکت کردند. این تظاهرات از سوی رسانه‌های غربی بعنوان بزرگترین گردمایی در این کشور پس از پایان حکومت کمونیست‌ها اعلام شد. شرکت‌کنندگان در میتینگ ۱۲ مه پراگ، در شعارهای خود خواهان اعلام حزب کمونیست بعنوان حزبی مخالف قانون اساسی و

پارلمان مجارستان با ۳۳۹ رای مثبت در برابر ۳۱ رای منفی، "ارپاد گونچتس"، از اتحاد دموکرات‌های آزاد و حزب دموکراتیک لیبرال - سوسیال، را به ریاست مجلس و ریاست جمهوری موقت این کشور برگزید. گونچتس، پس از انجام اصلاحاتی که در قانون اساسی مجارستان صورت خواهد گرفت، رسماً به این مقام تشریفاتی منصوب خواهد شد. با این انتخاب، وی دومین نویسنده‌ای است که

بدنبال هاول به ریاست جمهوری یک کشور اروپای شرقی برگزیده شده است. دولت چین ۲۱۱ نفر را که به همت شرکت در تظاهرات سال گذشته برای دموکراسی دستگیر شده بودند، آزاد کرد. آزادی این هده بدنبال آزادی ۵۷۳ تن دیگر است که در ماه ژانویه صورت گرفت. طبق آمار رسمی هنوز ۴۳۱ تن به همت شرکت در جنبش دموکراسی در زندان به سر می‌برند.

اینک، رامن آلیا جانشین انور خوجه می‌گوید کشورش در سیاست خارجی همواره واقع بین بوده است و هیچگونه احتراز بیمارگونه‌ای از دولت‌های بزرگ نداشته است. مذاکرات با اتحاد شوروی در جریان است و قرار است در ماه ژوئن سانتور ادوارد کندی نخستین سیاستمداری باشد که از آلبانی دیدار می‌کند.

رامن آلیا همچنین از بازار مشترک اروپا به مثابه "واقعیت مورد پذیرش جهان" نام برد و خاطر نشان کرد، آلبانی از این پس در کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا شرکت خواهد کرد. نشانه‌هایی حاکی از لغو ممنوعیت تبلیغات و مراسم همومی مذهبی موجود است. همچنین مردم آلبانی از این پس امکان خواهند یافت تقاضای صدور گذرنامه کنند. هبور غیر قانونی از مرز، در نظام کیفری آلبانی دیگر مانند گذشته "جنایت" محسوب نمی‌شود، بلکه تنها "جرم" به شمار می‌آید.

با این حال، رهبر آلبانی تأکید کرد آنچه در کشورش در جریان است، "ادامه تکامل مناسبات تولیدی" و "تعمیق دموکراسی سوسیالیستی" است. وی گفت در آلبانی روندی مانند سایر کشورهای اروپای شرقی به وقوع نخواهد پیوست، بلکه این کشور در "دوره جدیدی از شور انقلابی" قرار گرفته است.

اخیرا خاویر پرزدو کوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد برای نخستین بار از آلبانی دیدار کرد. در جریان این دیدار، رامن آلیا رهبر آلبانی تأکید کرد که کشورش بطور قطعی و "غیر قابل بازگشت" راه اصلاحات را در پیش گرفته است. وی افزود مناسبات خارجی آلبانی گسترش خواهد یافت. هادل جارجانی، نخست‌وزیر این کشور گفت اصلاحاتی که در هفته نخست ماه مه آغاز شده است، ادامه می‌یابد. بدین ترتیب، پنج سال پس از مرگ انور خوجه، رهبری که کیش شخصیت او هنوز بر آلبانی حاکم است، نخستین علائم نوهی گشایش در سیاست داخلی و خارجی "جمهوری سوسیالیستی خلق آلبانی" دیده می‌شود.

در پلنوم کمیته مرکزی حزب حاکم کار آلبانی که چندی پیش برگزار شد، رامن آلیا دبیر کل حزب اظهار داشت آلبانی در جستجوی طرح‌های نوین در سیاست خارجی، داخلی و اقتصادی است. قرار است به زودی آلبانی با آمریکا و شوروی روابط دیپلماتیک برقرار کند. پس از جنگ جهانی دوم، آلبانی و ایالات متحده روابط دیپلماتیک نداشته‌اند. روابط تیرانا و مسکو در سال ۱۹۶۱ با جانبداری انور خوجه از چین قطع شد. این تیرگی روابط همچنین با خروج آلبانی از پیمان ورشو همراه بود.

دیدار حسنی مبارک از مسکو

در دیدار هفته گذشته مبارک

از مسکو، موضوعات مختلفی در دستور مذاکرات قرار داشت. از جمله طرفین در مورد مهاجرت یهودیان شوروی به اسرائیل گفتگو کردند. برخی نیروهای افراطی در دنیای عرب، و نیز جمهوری اسلامی ایران، خواستار آنند که مسکو از مهاجرت یهودیان به اسرائیل ممانعت کند. اما مصر در این مورد موضع متعادل تری دارد. همدان، همدان، وزیر خارجه دولت مبارک، گفت کشورش از اتحاد شوروی نمی‌خواهد که حق مهاجرت را که از حقوق ابتدائی بشر است، محدود نماید، بلکه خواهان آن است که دولت گارباچف از همه ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک برای جلوگیری از اسکان یهودیان شوروی در مناطق اشغالی کرانه غربی رود اردن، نوار قزه و شرق بیت‌المقدس استفاده کند. وزیر خارجه مصر افزود موافقت شوروی با این درخواست به مصر امکان خواهد داد در جهت اتخاذ مواضع میانه‌رو در اجلاس سران عرب اقدام کند. قرار است اجلاس سران عرب به زودی در بغداد برگزار شود.

هفته گذشته، برای نخستین بار پس از ۱۸ سال، یک رئیس‌جمهور مصر از اتحاد شوروی دیدار کرد. حسنی مبارک که در سال‌های دهه ۵۰ و ۶۰ بعنوان افسر خلبان در اتحاد شوروی تحصیل کرده است، با سفر خود به مسکو، نقطه پایانی بر تیرگی مناسبات دو کشور گذاشت. در آوریل سال ۱۹۷۲، انور سادات آخرین سفر خود را به مسکو انجام داد و تنها سه ماه بعد، ۱۷ هزار مستشار نظامی شوروی را از مصر اخراج کرد. با این اقدام، فاصله گرفتن مصر از مهم‌ترین متحد خود تا آن زمان آغاز شد و قاهره بطور فزاینده‌ای در حیطه نفوذ سیاست آمریکا قرار گرفت. در سپتامبر ۱۹۸۱، مصر روابط خود را با اتحاد شوروی قطع کرد. تنها یک ماه بعد، سادات قربانی همان بنیادگرایی شد که در مبارزه با کمونیسم و ناصریسم بعنوان متحدان خود، تقویت شان کرده بود.

در سال ۱۹۸۴، روابط قاهره و مسکو دوباره برقرار شد. در سال ۱۹۸۷، قراردادی میان دو کشور درباره تعویق بازپرداخت بدهی‌های نظامی مصر به امضا رسید.

AKSARIYAT
NO. 305
MONDAY 21 May 1990

آدرس:
RUZDEM
POSTFACH 1810
5100AACHEN
W.GERMANY

اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق
ایران (اکثریت) در خارج از کشور

حساب بانکی:
M.ABD
NR 435263011
37050198
Stadtparkasse Köln
W.GERMANY